

نابود با جنگ ؛  
هرگز برخه‌یینی  
زنده با صلح و آزادی

# نبرد خلق

کارگران و زحمتکشان  
متحد شوید

دوره چهارم - سال پنجم  
اول بهمن ماه ۶۲ - شماره ۵۵

آرگان سازمان چریکهای فدایی خلق ایران  
بیروبرنامه (هویت)

۱۶ صفحه - ۶۰ ریال

## بحران انقلابی، دوران انقلابی، خط مشی انقلابی

فوز از همایی  
آزاد بهمن خورشید

در صفحه ۵

### رویدادهای افغانستان و سوء استفاده خمینی

اتحاد شوروی برای خروج کامل نیروهایش از افغانستان، فعالیت سیاسی و دیپلماتیک خود را تشدید کرده است. آخرین نظر شوروی بر این امر قرار دارد که دولت کمونی افغانستان نیز بتواند بمعنا یک چیز کوچک (نه جز اصلی) در حکومت آینده افغانستان بحساب آید. در رابطه با تشدید فعالیت سیاسی و دیپلماتیک اتحاد شوروی، باید به مذاکرات مستقیم اتحاد شوروی با جناحهای مختلف مجاهدین افغان و محمد ظاهر شاه، پادشاه سابق افغانستان اشاره کرد. در اواسط آذرماه اسامیل بولسورنستف که ضمن حفظ مقام معاونت وزارت خارج اتحاد شوروی، سفیر این کشور در افغانستان هم می‌باشد، در طائف (اقله‌های عربستان سعودی) با نمایندگان گروههای هفت گانه مجاهدین افغانستان (سنی مذهب) ملاقات و گفتگو نمود. در تاریخ ۳ دیماه اسامیل نیز، ورنستف درزم با محمد ظاهر شاه، پادشاه سابق افغانستان ملاقات و وی به مذاکره نشست. در تاریخ ۶ دیماه اسامیل برهان الدین ربانی، سخنگوی گروههای سنی مذهب وارد تهران شد تا جناح رقیب (گروههای هشت گانه شیعه مذهب) را به مذاکره مستقیم با اتحاد شوروی تشویق کند. ربانی در یک کنفرانس مطبوعاتی در تهران با شرکت سخنگوی گروههای هشت گانه شیعه مذهب (محمد کریم خلیلی) اعلام نمود که بین گروههای افغانی "هیچ" اختلافی وجود ندارد.

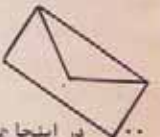
در صفحه ۲

کردم" اما از آنجا که آن نامه و این جواب کارساز نبود، خمینی در تاریخ ۱۰ دیماه به لغو حق قانسون - گذاری توسط مجمع پرداخت و این در حالی است که هر دوی رژیم "هرکس"، "هرکاری" که واقعا می‌تواند انجام می‌دهد و خمینی مجبور است بطور روزمره و در تمام حوزه‌های کار حکومت دخالت کند. بحرانی که تمامی ابعاد جامعه را فرا گرفته بود، با قبول قطع نامه ۵۹۸ از طرف خمینی، نه فقط تخفیف پیدا نکرد، بلکه شدت تشدید شد. اکنون بن بستها و بحرانهای لاعلاج رژیم آنچهان ابعادی پیدا کرده، که خمینی دیگر گردانندگان رژیم را مثل باطلاق مردم در خود بیشتر فرو می‌برد. شرایط جنگی، سهمناکترین و گسسته ای ترین ساله رژیم جنگ بود. اما اکنون وبا قبول قطعنامه ۵۹۸ از طرف رژیم، تضادها و بن بست های رژیم حوزه‌های مختلف را دربر گرفته و بنابراین - جناحهای درون رژیم هر کدام به فراخور ظرفیت و نیروی

در صفحه ۲

هنوز یکسال از تعیین " مجمع تشخیص مصلحت نظام" خمینی نگذشته بود، که خمینی در تاریخ ۱۰ دیماه اسامیل این مجمع را نیز سلب الاختیار و بسی خاصیت نمود. این مجمع سال گذشته از طرف خمینی برای حل و فصل تضادهای درونی رژیم تشکیل شد و پس از مدتی هم خود به کانون پراقتضاد تبدیل شد و هم تضاد همه ای ارگانهای رژیم و بخصوص مجلس ارتجاع با این مجمع تشدید شد. در تاریخ ۱۷ آذرماه اسامیل خمینی در جواب ۹۷ تن از نمایندگان مجلس ارتجاع، که نسبت به کار قانونگذاری توسط " مجمع تشخیص مصلحت نظام" اعتراض کرده بودند، ضمن یک عقوبت نشینی نوشت: " مطلبی که نوشته اید کاملا درست است. انشاء الله تصمیم دارم در تمام زمینه ها و قیاسه سورتی در آید که همه طبق قانون اساسی حرکت کنیم. آنچه در این سالها انجام گرفته است، در ارتباط با جنگ بوده است. مصلحت نظام، اسلام اقتضا می‌کند تا گروههای کور قانونی سریعاً بنفع مردم و اسلام باز

### نامه ای از ایران



در اینجا همه چیز، مثل خودکار من که الان می‌بینی درست نمی‌نویسد، بخ زده از زندگی روزمره مردم گرفته تا همه چیز آنها و حتی زبانهای آنها... واقعا هیچ چیز برای خوردن نیست فقط سبزی و کدو یا این حرفها بود آنها اخیرا اعلام شد یک نوع سواد مسموم کننده و میکروبی داخل آبهای این سیربجات شده و اعلام کرده اند هیچ کس سبزی و پادمان و کدو و خلامه هیچ نوع سیربجات را نخورد. مواد غذایی قیستش بعدی با لاست که هیچ کس نمی‌تواند نزدیک آن برود. البته این مواد قبل از آتش بس هم گران بود. ولی حالا که مثلا آتش بس داده اند و جنگه موقتا تمام شده قیمت ها ۴۰ برابر شده یعنی دو برابر قبل از جنگه مثلا روغن نباتی یک حلب ۵ کیلویی که قیمت اصلش ۳۰ تومان است تا قبل از قبول قتل نامه! ۲۰۰ تومان بود. حالا ۱۲۰۰ تومان و در یکی دوروز اخیر ۱۵۰۰ تومان شده. خود من چندروز پیش آنرا به قیمت ۱۲۰۰ تومان خریدم و میدانم که این درخور استطاعت حتی خانواده های متوسط مثل ما هم نیست. هیچ کارمند دولتی استطاعت خرید روغن ۱۲۰۰ تومان را ندارد. مایع ظرفشویی ۱۰ تومانی ۱۵۰۰ ریال بهر حال وضع طسوری است که اسامیل که جنگ تمام شده صدمه بدتر از سال پیش است. بهر جهت همانطور که در گذشته نوشته ام در حال حاضر بین مسئولین کشور که همگی بقول خودشان آخوند هستند اختلاف شدیدی برای بازسازی کشور بروز کرده و توسر هم می‌زنند و هر چه رئیس کل هم

در صفحه ۲

### بیاد روزهای تاریخی بهمن ماه

خاطره ۱۹ بهمن رستاخیز سیاهکل، تولد جنبش نوین کمونیستی ایران ۲۲ بهمن انقلاب پرشکوه خنثیهای ایران و خاطره شهدای قبرمان بهمن ماه خونین را با مبارزه برای سرنگونی رژیم خمینی و استقرار صلح و آزادی گرامی بداریم  
سازمان چریکهای فدایی خلق ایران  
بیروبرنامه (هویت)

### فاجعه کشتار زندانیان سیاسی

حکام ددمنش جمهوری اسلامی با نشان دادن انگشتان خون چکان خود به گروهکهای بیدفاع مقاومت انقلابی مردم ایران با ولعی هزار آنها می‌خواهند که به وجود بی مقدار و حیوانی شان سر تعظیم فرود آورند. از آنها می‌خواهند که با پشت کردن به عزت و شرف و نفی کامل خود به خدمت جلاد جماران در آیند. از آنها به سوال می‌کنند و جواب دیکته شده را جلوی شان می‌گذارند. رقم قربانی شدگان بخوبی نشان میدهد که جلادان خون آشام در هر لحظه چند بار با جواب نه! گروهکهای خود، انکار شده اند. خبرهای رسیده تنها گوشه ای از جنایات انکار شدگان تاریخ است. کومبیکران با قاضی کشاده بر تبریک اعدام بوسه می‌زنند و بعد زخم نه! می‌گویند. همانه مقاومت یارانمان در زندانها در آستانه سالروز رستاخیز سیاهکل و قیام بهمن یاد آور از جان گذشتگیها و فداکاریهای به میدان آمدگان تاریخ است که با نثار خون خود درفش بیگانگی را برافراشتند

در صفحه ۲

### در این شماره:

چه کسانی حقایق را به مردم گفتند؟

چه کسانی به توده ها دروغ گفتند؟

در صفحه ۸

رژیم خمینی و اوپک

در صفحه ۶

مسائل نیکارگوته

در صفحه ۷

شیبورا و سرگشادش نواخته شد

در صفحه ۱۴

هر چه گسترده تر باد مبارزه مسلحانه انقلابی برای سرنگونی رژیم خمینی

## بحران انقلابی، دوران انقلابی،

## خط مشی انقلابی

از صفحه ۱

بالفعلی که دارند، راه حلهای خاص خود را ارائه می‌دهند. اکنون چگونگی مذاکره، صلح، مساله بازسازی و رابطه با آمریکا به مهمترین و گره‌های ترین مساله رژیم تبدیل شده است. رفسنجانی و جناح وابسته به آن همراه با کسانی که با آنان علیه دیگران فعلا متحد شده است، معتقدند که باید قانون اساسی بسنود متمرکز کردن قوه اجرائی "اصلاح" خود. معنی این "اصلاح" در این مورد مشخص، ازین بردن تضاد بین نهاد رئیس جمهوری و نهاد نخست وزیر در سیستم رژیم است. جناح فوق راه حل را در حذف نهاد نخست وزیر و سپردن کامل اختیارات قوه مجریه به رئیس جمهور، اگر چنین مساله‌ای پیش رود، احتمال جایگزین شدن رفسنجانی بجای خامنه‌ای، به يك اسر ممکن تبدیل میشود. جناح حزب الله که هر روز توسط خورده‌تر از روز قبل میشود، راه حل را در تضعیف جناح رفسنجانی، بستن راهها برای حل قطعی رابطه رژیم با آمریکا و جابجایی توخالی در مساله جنگ و صلح می‌بیند. این جناح که افرادی مثل منتظری و نهادهاشی مثل سپاه و دفتر تحکیم وحدت را در بر می‌گیرد، خود را از هر طرف در منگنه می‌بیند. اینان بخوبی میدانند که رفسنجانی منتظر فرصت مطلوب، برای حذف سپاه بعنوان مهمترین نقطه اتکا، حزب الله و پاسداری آشیل نقشه‌هایش است. اینان بخوبی میدانند که هر روز که می‌گذرد، وضعیتشان وخیم تر میشود و هر تشدید بحران مستقیماً اینان را بعنوان اهرمهای اصلی سرکوب رژیم زیر سوال می‌برد و سایرین را عاید و رها می‌کند. این جناح که "شده‌واز" انحصارطلبی، رفسنجانی شکوه و شکایت سر می‌دهد، منتظری با قدم های بسیار لوزان با به میدان می‌گذارد و بنوعی هاشمی می‌زند و با اولین سبب خمینی میدان را خالی می‌کند و هنوز هم برای تعادل شدن به درخواست نمایندگان مجلس پاسخ نداده است. بیچاره "امت" در صحنه به چه فلاکتی گرفتار شده است. آن دیدیم و کب کب اول انقلاب که گوش فلک را کر می‌کرد، آن بدمستی‌های جلودانشگاه، آن سرمستی در آغوش کشیدن "جنون" و تجاوز به قساو، اکنون جای خود را به گوشه نشینی و نف و نسوق زدن در جامع محدود و به سرکجه قبول نطعمانه و به سسرا و نامت برای آنان داده که توسط "دادگاههای شرع" خرد ساخته، اکنون به اعدام محکوم میشوند، "حزب الله" که فرار بود، بمبرود "سازش" نیذیرد، اکنون با خیانت "روح الله" درید محمدهای گبرگرده است. به راه پس دارد و همراه پیش، نیرویی شکست خورده و آبرو باخته، در خاک ریز از اول، روزهای فلاکت بار تنها هم کربلای پنجم را هزار بار در مقابل چنین روزهایی آرزو می‌کند. رهبر خیانت کرده اینان، با لاشرسان استساده و منتظر يك لحظه مناسب است. ما خوب "خواجه" را بر سر پایای این موجودات بر عقیقه و تحقیر شده بزند. اصلاً ناخج دنیا، و منتظری نمی‌توان این را قبول کرد که اینان تسلیم خواهند شد. مهمترین و محکمترین مساله‌ای که اکنون در مقابل این جناح قرار گرفته، لایحه اتمام سپاه و ارتش است. اگر این جناح بتواند طرح لایحه را برای ۶ ماه دیگر به تصویب اندازد، فرصتی برایش می‌ماند تا تمام حساب‌سارا در

نمایش انتخاباتی رئیس جمهوری خمینی، توسعه کند.

جناح بازار که هم "حبیب الله" بودند و با عتد خبر و برکت برای "روح الله" و هم به اندازه کافی سرکوبگر که لکه ننگ "آزادخواهی" بر آن نجسند، بازی مشکلی را پیش می‌برند، رسالتی ها از یک طرف دشمن خوبی "جوچه مهدی هاشمی" ها هستند، و از طرف دیگر "انحصارطلبی" رفسنجانی را خطرناک می‌دانند. با تغییر قانون اساسی موافق نیستند. ولی با تغییر موسوی، شدت موافقتند. عمق "رنجی" که این "تجار محترم" از "ساوات طلبی" نوع لعینیتی و عقب افتاده حزب الله کشیده‌اند، آنقدر است که با تغییر موسوی جبران خواهد شد. رسالتی ها می‌گویند سر "جب" ها را زیر آب کنیم و برای بقیه همیز را از اول بچینیم. اما تجارت در شکلی که این جناح بسازد می‌آورد می‌ورزیدند، خاص شرایط جنگی بود. اکنون بحث اصلی باید رفسنجانی با گروه اخیر، مساله نقدینگی "ها و بنفش آن در به اصطلاح بازسازی است. هم نخست وزیر هم افراد مانند رفسنجانی در کابینه، بطور مرتب از "انفجار" نقدینگی بخش خصوصی خسوف زده‌اند. اکنون خواستار آنند که "تجار محترم" سر کبسه را اهل کرده و بخشی از نقدینگی غیر قابل محاسبه خودشان را از "تجارت" به سمت حوزه‌های دیگر سرازیر کنند. تشدید بحران اقتصادی پس از قبول قطعنامه که با يك افت بسیار گزاف و موقتی، همچنان سبب معبودی و شبان گیر دارد، با لافرتن قیمت دلار، معسود قیمت اختیاری شکل تضاد هندسی، گویای این امر است که بین "حزب الله" و "روح الله" و "حبیب الله" ابتدا باید مساله سیاسی حل شود تا شاید راهی برای حل مساله اقتصادی بوجود آید. اگر تمامی فاکتورها و پدیده‌هایی که هر روز دهها مورد از آنرا می‌توان شماره کرد را کنار بگذاریم و تنها به همین مورد بنگریم، به عمق بحرانی که در جامعه ما موجود است، بی خواهیم بود. وقتی يك بحران اقتصادی، هیچگونه راه حل مستقل اقتصادی نداشته باشد، وقتی این بحران راه به سیاست، به معنی دقیق کلمه، یعنی مساله "قدرت سیاسی" برده باشد، وقتی راه حل های "قانونی" در مقابل راه حل های "انقلابی" رنگ می‌بازند و توبه خمینی برای اینکه به "قانون" اساسی اش متحد باشد، توبه کرگه از آب در می‌آید و باز هم بحران، خود "حکم" می‌راند، این وضعیت چیزی جز بحران انقلابی و شرایط انقلابی نیست. اما از جنبه های دیگر نیز میتوان این مساله را ثابت نمود.

کشکاری که رژیم از زندانیان سیاسی راه انداخته، نمود دیگری از این وضعیت است. خمینی طی دوران حکومتش، گشتارهای متعددی راه انداخته بود. اما وسعت این گشتار، براساسی بی نظیر است. فرمانی که خمینی در چهار سال قبل برای گشتار بهر جماعه زندانیان سیاسی داده بود، اکنون اجرا میشود. خمینی در آن موقع گفته بود: "آدم گاهی در سیاست نمیشود، سگراست که، عرض گاهی صحیح نمیشود. الا به کلی باید بپیرند، داغ کشته نادرست شود. جامعه باید آنها که فاسد هستند از سر بیرون ریخته شوند. جنبه رحمت است همه اش. منتظری آقایان بعضی ها خیال می‌کنند که همان رحمت اینست که بهش مهلت بدهید تا بکشد آدمهارا، این رحمت است؟ از جنس ها

بیرونشان کنید تا بریزند مردم را بکشند. این رحمت است؟ شامروای قرآن عمل کنید. قرآن با اشخاصی که سلطنت و معتقدند و ایمان بخدا دارند به برادری رفتار می‌کند، با اشخاصی که برخلاف این هستند، آنها را می‌کوبد، بکشد، بزند، محبس کنید" (خمینی ۶۳/۱۱/۱۴) و اکنون خمینی بمشابه فاسدترین فرد تاریخ مبین ما، که با حاکمیت ننگین و روبرو و الوش مبین مارا به ویرانی، چهل، فقر و وحشا کشانده است، همچنان برای جلوگیری از سقوط محتوم خود و تمامی رژیمش، زندانیان سیاسی، زاهر روز به حوجه اعدام می‌سیارد. بدن ترتیب، خمینی که خود بیش از هر کس دیگری بوی الرحمن رژیمش را حس کرده است، می‌خواهد با قتل عام زندانیان سیاسی، مانع اجرای حکم تاریخ در مورد رژیمش گردد. اما علیرغم این سرکوب و وحشیانه و علیرغم دهها شکل فشار بر مردم، بحران انقلابی و شرایط انقلابی، همچنان اصلی ترین خصوصیت شرایط کنونی جامعه مادر کلیت آنست. این نتیجه گیری، اولین و مهم ترین مساله برای هر جریان سیاسی بطور عام و برای جریان انقلابی بطور خاص است. باید تاکید کنیم که نفی بحران انقلابی و شرایط انقلابی نیز، نخستین و پایه‌ای ترین گام در قرار گرفتن در مسیر اپورتونسیسم، فرمسیسم، سازشکاری، فرصت طلبی و انفعال است. تمامی افراد، محافل و جریاناتی که سرخا و بدون هرگونه اما و اگر قبول نکنند که جامعه مادر يك بحران انقلابی و شرایط انقلابی بسر می‌برد، علیرغم هر تنوع ادعا و انقلابیگری توخالی، دچار اپورتونسیسم و فرمسیسم هستند. اما اگر چه در بحران انقلابی و شرایط انقلابی به معنای دچار شدن به اپورتونسیسم، فرمسیسم و سازشکاری است، اما قبول این پدیده، هنوز به معنی قرار گرفتن کامل در صف انقلاب نیست. چه بسیار محافل و جریانات فرمسیسم که برای به گریزی نشانند و قبولاندن خط مشی خود به جناحهای حکومتی و محافل بین المللی، به مساله وجود بحران انقلابی و شرایط انقلابی تاکید کنند، اما از اتخاذ يك خط مشی انقلابی در پاسخ به شرایط کنونی خودداری کرده و در مقابل به ارائه يك خط مشی فرمستی، بپیرازند. بنابراین باید پس از قبول شرایط بحران کنونی بمشابه شرایط انقلابی و بحران انقلابی به این مساله پاسخ دهیم که اصولی ترین خط مشی برای نجات توده‌های محروم ایران از این وضع چیست؟ برای این باید به این سوال پاسخ دهیم که با وجود این همه گشتار و جنایت توسط این رژیم، با وجود خون آلود بودن دستان تمامی کارگزاران رژیم، با وجود ولایت فقیه و حاکمیت ننگین و مستبد و مذهبی رژیم خمینی، آیا هیچ يك از خواسته‌های وسیع ترین افشار توده‌های مردم (هرچقدر این خواسته کوچک باشد) برآورده خواهد شد؟ در این تردیدی نیست که هر انسانی که در جواب مثبت دادن به این سوال منافع عملی نداشته باشد و به بیان دیگر در ادامه حاکمیت رژیم استبدادی - مذهبی خمینی، منافع نداشته باشد، به این سوال پاسخ منفی خواهد داد. برای هر تحولی در جامعه، تاکید می‌کنیم که هر تحولی، باید در گام اول این رژیم بانامی دسته بندیهای دروسی اش سرنگون و به گورستان تاریخ سپرده شود. حرکتات احسانه رژیم از قبیل توصیه‌های "امام" گونه به گورباچف، و اعلام زمان برای ثبت نام احزاب سیاسی در صفحه ۶

اخبار و رویدادها....

از صفحه ۱۶

شدنهای اودرتلوپوزیون امریکا انتقاد شدید کرده و گفته جناح منتظری و کسانیکه با او فعلا هستند قوی تر از آن هستند که رفتنجانمی بتواند آنان را حذف کند. او گفته خوشبختانه اکنون همی افرار رژیم و سپاهها از رابطه با امریکا خبردارند و دیگر نمی توانند مسارا در مقابل اعمال انجام شده قرار دهند. اودر مورد اعتدال کردن طرفداران منتظری گفته است که ما انتقام این اقدام رفتنجانمی را در موقع مناسب خواهیم گرفت.

موسوی نخست وزیر جنایتکار خمینی به همراه یکه هیئت از طرف رژیم خمینی روز ۲۶ دیماه امسال وارد رم پایتخت ایتالیا شد و برخلاف عرف دیپلماتیک مورد استقبال نخست وزیر ایتالیا قرار نگرفت. روز بعد باب اعظم، موسوی و هیئت همراه را بحضور پذیرفت و نسبت به موارد نقض حقوق بشر در رژیم خمینی هشدار داد. در جریان دیدار موسوی از ایتالیا، پشتیبانان و هواداران مقاومت و مجاهدین خلق و تیز جمعی از خانوادههای شهدا با تظاهرات و اکسپونهای خود، به افشاکری علیه رژیم خمینی و نخست وزیر جنایتکار او پرداختند که جدیدا در رسانههای خبری ایتالیاسی انعکاس یافت. آنها نماینده و شخصیت ایتالیاسی ورود نخست وزیر خمینی به ایتالیا را طی تلگرافها پی به نخست وزیر ایتالیا محکوم کردند.

فیدل کاسترو درسی امین سالگرد انقلاب کوبا طی یک سخنرانی پر شور، اصول و مواقع حرب کمونیست کوبا را تشریح نمود. وی این سخنرانی را در یک میتینگ توده‌ای ابراد نمود. وی به مسئولیت کوبا در مقابل خلقهای درین جهان اشاره نمود و اعلام نمود که ما همواره به اصول مارکسیسم - لنینیسم وفادار بوده و خواهیم بود. وی با تاکید اعلام نمود که "ما مرگد یا مارکسیسم - لنینیسم"

واشنگتن پست - ۱۳ دسامبر ۸۸

سازمان حقوق بشر اقدام های اخیر را در ایران محکوم کرد. لندن - سازمان عفو بین المللی گزارش داد که تعداد ۳۰۰ نفر از زندانیان سیاسی بطور مخفی در ایران در زندانهای رژیم جمهوری اسلامی اعدام شده‌اند. و این بزرگترین اعدام های دسته جمعی از اوائل سال ۱۹۸۰ تا به امروز می باشد. سازمان حقوق بشر همچنین متذکر شد که اعدام های دسته جمعی از ماه جولای ادامه دارد و مدارکسی وجود دارد که تعداد اعدام شدگان به هزاران نفر می رسد. رهبران جمهوری اسلامی در ابتدا اعدام های دسته جمعی را تکذیب کردند ولی در روزهای اخیر این اخبار حتی بوسیله علی خامنه‌ای رئیس جمهور تأیید شده است. اغلب اعدام شدگان از سازمان مجاهدین خلق ایران بوده‌اند. همچنین در گزارشی آمده است که تعدادی از اعدام شدگان از گروه راه کارگر، سازمان چریکهای فدایی خلق ایران، حزب توده و مخالفان گرد بوده است.

احمد خمینی در تاریخ دهم آذرماه امسال در اطلاعیهای از کلیه شخصیت ها، روحانیون و اقبشار "مردم" خواست که بمنظور حفظ، نگهداری، چاپ و نشر کلیه اسناد، پیامها و مدارک و حتی نامهها و دست خطها (حتی یک برگه)، حکم یا اجازه، و یا آثار دیگری از خمینی (چه قبل و چه بعد از انقلاب) در اختیاردارند، به دفتر خمینی در جماران ارسال دارند. این اقدام که دستور آنرا خمینی جلا جندی قبل به احمد خمینی داده بود، برای جمع و جور کردن و حذف حرفهای متناقض خمینی از فتواها و دستورالعمل های خمینی شاید است.

رفسنجانی در مساجدهای که خبرنگار تلویزیون اطریش در ۲۹ آذر سال جاری با او بمسئل آورد در رابطه با روابط رژیم با کشورهای عربی خلیج فارس به ویژه عربستان به تعالیل دوطرف به رفع مشکلات اشاره کرد و گفت "مشکل اساسی جنگ عراق با ایران بود که در حال حاضر این جنگ در عمل وجود ندارد و این مانع از میان برداشته شد." وی افزود "در باره عربستان مسئله حج را داریم که باید به شیوه‌ای حل شود تا دو طرف بمتوافق برسند. هم ما و هم آنها تمایل داریم مسائل مربوط به روابطمان حل شود و منتظر من در آینده نظر کردن دور روابط ما عادی خواهد شد."

رفسنجانی جنایتکار با وقاحت تمام علت تیره شدن روابط رژیم با عربستان و اینکه عراق ایران نام برده و با این عمل خود قصد دارد که خاطره بلوای سال گذشته مکه را از ذهن توده‌های مردم خارج نماید. رفسنجانی فراموش نموده که بلوای مکه و بیتاللهی بعدی آن چه جنجالی رژیم بها کرد و حتی در تاریخ ۶۶/۸/۳۰ رژیم کنگره جهانی "بررسی قداست و امنیت حرم" از ابادی خود تشکیل داد که این به اصطلاح کنگره ۴ روز بطول انجامید و طبق گفته رژیم ۲۰۰ نفر از علما و شخصیتهای مذهبی که عموما ابادی خود رژیم بودند از ۴۰ کشور جهان در آن شرکت نموده بودند. اما اکنون رژیم شکست خورده و وادانده برای حل مسائل داخلی و بین المللی اش و خارج شدن از انزوای بین المللی سعی می کند تا بسرعت روابط خود را با عربستان سعودی ارسر گیرد. اقدامی که مسلما هیچ ساله اساسی از رژیم را حل نخواهد کرد.

برخی از رویدادهای تاریخی

- ۱۹۲۲ - در گذشت لنین از صفحه ۱۶
- ۱۹۳۲ - شورش توده‌ای دهقانان السوادور که در آن ۳۰۰۰۰ نفر از دهقانان قتل عام شدند.
- ۱۹۴۲ - اول فوریه - روز اعدام غار ابوندو مارتسی در السوادور
- ۱۹۴۲ - پیروزی نبرد استالینگراد علیه فاشیست های هیتلری
- ۱۹۴۸ - ترور مهاتما گاندی رهبر جنبش استقلال طلبانه هند
- ۱۹۷۸ - شروع اعتصاب ملی در نیکاراگوئه که در آن ۸۰۰۰ مرد حرفه‌ها برای دو هفته اعتصاب نمودند.

فاجعه کشتار زندانیان سیاسی از منظر

این ترورها همه جا صحبت از مقاومت و پایداری دلاورانه زندانیان سیاسی ایران در زندانهای خمینی است. امام اعظم این جنایات عمق فاجعه‌ای را که سران جمهوری اسلامی به دستور خمینی پی افکندند نشان می دهد. سریر فرساروایی آخوندها غرق در خون است و هر روز به ارتفاع آن افزوده میشود و درین لحظه‌ای که بنای بوسیده کاج جلدان در خون مدفون شود، در ابتدا خیرهای بسته گریخته از اعدام مندا، هزارها نفر در زندانهای آمل، مشهد، اهواز، شهران و... می آید و در میان بهت و وحرت شنوندگان هر روز آمار بیشتر میشود. سپس یقین حاصل شد و شواهد و مدارک منتشر گردید. تلاشی همگانی برای افشای این جنایات آغاز گردید. محافل بشردوستانه قانع گردیدند که در زندانهای خمینی جنایاتی در حال اتفاق افتادن است! آنها بیزکارهایی کردند. اعتصاب غذاها آغاز گردید. اساسی اعتدال م شدگان به مقداری که در دسترس بود اعلام شد. در میان این اساسی از نوپا ۱۵، ۱۶ ساله تا پیر مردان ۷۰، ۸۰ ساله دیده می شد. رژیم به تعدادی از "بریده شدگان" نیز رحم نکرده بود. داسی مرگد در چرخش خود خشک و تر را سوزانده بود. کیمه حیوانی مامورین خمینی حدود ۲۰ سی شانس برای دسین روح اندکی به کالبد بی رنگ جلا جندی خون آشام باید که جوانان جهان دهند. بهترین فرزندان این مرزوبوم به خاله افتند تا دژخیم با نوشیدن خون آنها نفس بکشد. ارقام سرسام آور است و اساسی چنان حقیقی که محافل مختلف بسی مرتنگ به این اساسی استناد می کنند. در میان آنها به آشنایان زیادی بر می خوریم. کسانی که بجرم دسناخ از موجودیت خلق دستگیر شده‌اند، کسانی که تنها به جرم عشق ورزیدن به مردم ابدانده‌اند، کسانی که گفته‌اند "دوست می دارم". و کسانی که گفته‌اند از "ناپوت بیزارتند"! در گذرگاه پریچ و خم تاریخ ایران چنین کشتار همگانی سابقه نداشته است. غریبان خونخوار حاکم بر ایران حکم تاریخ را کج خوانده‌اند و بیان هراسان اینکه "همه جا می کشند، ما هم می کشیم" می خواهند چرخ استوار تاریخ را منحرف کنند. دسار بندهان مرجع است از نوشیدن خون تازه به هرمان کوشی افتاده اند و با نخوت به جنایات خود می بالند و به باران پنهان خود که در اثر تلاش عمومی مجبور به عکس العمل شده‌اند کوشند می کنند که بگذارد در سکوت و آرامش جزیره ثبات و احیا، نمایش خانواده‌ها در جستجوی جگرگوشگان خود بیلجه بدست خنک کورستانها را بر هم می ریزند و کورهای دسته جمعی فرزندان بیگناه و سرفراز خود را می باند. خشم گسره شده خود را فرو می خورند و انتظار می کشند، بیشک روز انتقام فرا می رسد.

مردم ایران:

رژیم خمینی به کشتار زندانیان سیاسی ادامه دهد. مبارزه متحد و یکپارچه شما، می تواند به این جنایت بزرگ تاریخ بشری خاتمه دهد. برای توقف قتل عام زندانیان سیاسی، برای سرنگونی رژیم خمینی و استقرار صلح و آزادی، مقاومت انقلابی مسلحانه را از هر طریق ممکن باری کنید. سازمان چریکهای فدایی خلق ایران - پیرو برنامه (هویت) سی آت ۴

نابود باد امپریالیسم جهانی بسرکودگی امپریالیسم آمریکا و پایگاه دالخلیش

### نامه ای از ایران

از صفحه ۱

موظف می‌کند به خرج کسی نمی‌رود و نتیجه این شده که همه چیز فلج شده و اقتصاد روز بروز ورشکسته‌تر می‌شود. لجن سرتاپای همه را گرفته و این قوم از خدا بی‌خبر که حتی نان و ۲ سیرکوست مردم را نمیتوانند تهیه کنند و همه با قحطی دست به گریبان هستند بخاطر سرگرم نگاه داشتن مردم و بخاطر بخانه کشیدن آنها دست به ساخت با وارد کردن یک سری برنامه‌های تلویزیونی زده‌اند که مردم را سرگرم کنند و این نیز طوریست که همه آنها در جهت توجیه خود آنهاست. مثلا چون می‌دانند مردم با گرسنگی و بدبختی دست به گریبان هستند زندگی بعضی مردم فقیر و سچاره، کشورهای خیلی عقب افتاده آفریقاییشان می‌دهند که برای گرفتن یک کاسه برنج یا گندم روی کله هم سوار میشوند و با زبان بی‌زبانی به این آدمهایی که این برنامه‌ها را نگاه می‌کنند می‌خواهند بگویند از ما بدتر هم هست و ما باید باز هم شکر کنیم. من نمی‌دانم چرا زندگی سرقه و برقیبات و اکتشافات کشورهای دیگر را نشان نمی‌دهند آنکه عاقل و وارد است به تهیه کنندگان این برنامه می‌گوید، خر خودتان هستند و آنکه نمی‌فهمد می‌شمنند و نگاه می‌کنند و شکر می‌کنند و یا اینکه برای سرگرم کردن مردم مثلا سواختن بعضی آلات موسیقی را که تا حالا حرام بود حلال اعلام می‌کنند یا شطرنج را که تا حالا حرام بود حلال می‌دانند معلوم نیست اینها تا حالا چرا حرام بوده و حالا چه شده که حلال شده. از طرفی اگر کسی جدایش در آید یک گلوله در حلق او خالی می‌کنند. من فعلا یک چیز قابل توجه را درک کرده‌ام و فعلا نمی‌دانم چه خبر است و آن اینکه مراقبت های نظامی و امنیتی و امنیتی شدت زیاد شده است و علت فعلا معلوم نیست. گویا احسان خیرهای بعدی را برای خودشان دارند و سویی نسا سلامی را دارند استعمال می‌کنند. من دنبال این مطلب هستم ببینم چه خبر است. چندی قبل هم خبر کشت و کشتاری را در رید آنها شنیدم. شغل کوبیده طوریست که از صبح تا شب با مردم سر و کار دارد. در برنامه‌های تلویزیونی هرتب از عملیات سرباز یعنی حمله مجاهدین و سرکوبی که اینها را کرده‌اند سخت و نمایش می‌دهند و ما چند نفر از دستگیر شدگان در حین عملیات در تلویزیون مشاهده می‌کنند. اما حالا چه اینها از طرف خودشان باشند یا نه. بدون شک همه آنها راه رژیم خواهد کشت. اما با این کشتارها یک سرانگیزی عجیب و عمیق ایس از خودهای ظالم از مردم روشنفکر و آبدینگر که از اول جنگ معتقد بودند جنگ باید در همان اوائل خاتمه می‌یافت. پیدا کرده‌اند. چون الان معلوم شده عراق خود را فاتح جنگ می‌داند و تا به خواسته‌های خود نرسد زبربار قبول کامل صلح نمی‌رود. اینها که در اوائل مذاکرات سعی می‌کردند بگویند عراقی چه می‌خواهد حالا که چند ماه از رفت و آمد آقایان به نیویورک و ژنو می‌گذرد، دارند اعلام می‌کنند که عراقی می‌خواهد در قرارداد الجزایر تجدید نظر شود و قرارداد جدیدی امضا شود و به همین جهت قبول نطعمانه برای رژیم فعلی ایران قبول فیل نامه برای آنها شده و لذا همه چیز در راستای این موضوع معطل و بلا اقدام مانده نه

### رویدادهای افغانستان و

#### سوء استفاده خمینی

از صفحه ۱

در تاریخ ۱۲ دیماه اسناد و رتسرف در تهران با سران جناح شیعه مذهب مجاهدین افغان مذاکره و گفتگو نمود. رژیم خمینی می‌گوشد تا با سوء استفاده از مناسبات خود با جناح شیعی مجاهدین افغان، خود را در جریانات افغانستان شریک کند. در این رابطه آقای مسعود رجوی در مصاحبه با صدای مجاهد در این رابطه اظهار نظر نمود که قسمتهایی از پاسخ مسئول شورای ملی مقاومت را به سوال مربوط به دخالت خمینی در حوادث افغانستان به نقل از نشریه اتحادیه انجمن های دانشجویان مسلمان خارج کشور - شماره ۱۵۷ (تاریخ ۱۶/۱۰/۶۷) برای اطلاع خوانندگان نبرد خلق چاپ می‌کنیم.

می‌توانند کشور را بازسازی کنند چون مطمئن نیستند جنگ تمام شده و نه می‌توانند کار دیگری بکنند اما برای گول زدن مردم و ترساندن عراقی مرتب بازم مردم دهات و شهرستانها را برای سیخ سیاه می‌برند و به سرزها می‌فرستند و بازم طلا وانگشتر و مایحتاج مردم را از این بیچارهها برای کمک به جبهه می‌گیرند. رژیم ها که خودشان می‌دانند شکست خورده‌اند چقدر پرو هستند که حالا هرتب شرح عملیات جنگی خودشان را در مدت ۸ سال که اسم آنها گذارده‌اند دفاع می‌کنند در تلویزیون نشان می‌دهند و کسی نیست به آنها بگوید که فقط ۸ سال چه غلطی کرده‌اید جز آنکه به قول خودتان ۲۰۰۰۰۰ نفر را به کشتن داده‌اید و شهرها را خراب کرده‌اید. حالا با تمام این بدبختیها و گرفتاریها که ذکر شد یک چیز جالب که واقعا جای خنده دارد برای تعریف می‌کنم که همین یکی روز قبل خودم به عین دیده‌ام و آن اینکه در این کشور دار بدبختیهای مردم مثل اینکه هیچ اتفاقی توی ایس مملکت نیفتاده چندین نفر از این زبانی را که ما اسم آنها را گذارده‌ام زینب های زبان، با چادر و چاقچور و مقنعه سیاه و عینک سیاه و دستکش سیاه، خلاصه مثل زالوهای سیاه هستند راه انداخته‌اند در کوچه‌ها و خانه‌ها و بدون اجازه وارد خانه‌های مردم میشوند. بپاشید بروید کلاس سواد آموزی درس بخوانید (البته شاید هم بظاهر برای اینکه زبان باشد و در باطن برای امر دیگری ست) در هر حال ببینید چقدر خنده‌دار است اصلا معلوم نیست اینها مال کدام خراب شده‌های هستند و اصلا به چه اجازه وارد خانه مردم می‌شوند (شاید هم ماسور امنیتی باشند) و مردم را با آن قیافه کثافت می‌ترسانند. اما طرفهای منزل ما جواب خوبی به آنها داده‌اند. البته هر که گفته جگر و جرات داشته یکی از همین خانسپای کوچه ما به این زینب نگاهها گفته است اگر زاست می‌گویند اول بروید بسرای فرزندان ما که بیش از چهار ماه است ارسال گذشته و هنوز نه کتاب برای آنها چاپ شده و نه معلم دارند. برای آنها کتاب و معلم تهیه کنید ماهمه ما سواد داریم. این کار ما جز خودمائی چیز دیگری نیست و اساسا هر کس شما را ببیند اگر سواد هم نداشته باشد از درس خواندن سیرار میشود. این جوابی بود که یک خانم به اینها داده (باز هم خانسپا).....

سوال: بعد از شروع مذاکرات بین معاون وزارت خارجه شوروی و سفیر این کشور در افغانستان با مجاهدین افغان که در عربستان سعودی و در راستای حل مسائل افغانستان برگزار شد، رژیم خمینی به شدت احساس غبن و گزیدگی کرده و عکس العمل نشان داد. به عنوان مثال روزنامه‌ی اطلاعات رژیم روز ۱۲ آذر زبان به اعتراض گشود و از طرف رژیم گفت: پس نقش و سهم ما چه میشود؟ زیرا که سال های طولانی میریسان مهاجرین افغان بوده‌ایم و لذا نباید این فرصت را از دست بدهیم و بگذاریم بهره‌اش به دیگران برسد. هم چنین وزیر خارجه‌ی خمینی در ۱۷ آذر درباره‌ی گفتگو- های انجام شده بین مجاهدین افغان و معاون وزارت خارجه‌ی شوروی به غرولند پرداخت و گفت: همه قشرهای مسلمان باید سهم باشند در غیر اینصورت این دیدارها موفقیت چندانی نخواهد داشت. رژیم خمینی به این وسیله فهماند که در این میان پس حق السهم من چه میشود؟ در مورد این مواضع رژیم خمینی چه نظری دارید و اصولا در قضایای افغانستان رژیم خمینی چه نقشی داشته است؟

جواب: از اول تا به آخر خمینی در قضایای افغانستان هیچ نقشی جز فرصت طلبی، جز سوء استفاده، جز دستاویز قرار دادن مسئله برای منافع و مطامع خودش نداشته و نخواهد داشت. در مورد رفتار با پناهندگان افغان هم - که فکر می‌کنم اخبارش گناه و بیگانه در نشریات خودمان از همانسال اول منتشر می‌شد - رژیم رفتار بسیار زنده و پستی با مهاجرین افغان داشت. اسنادی را که در این زمینه منتشر کردیم نشان می‌داد چطور عده‌ای از این پناهنده‌ها را برخلاف همه‌ی مقررات بین المللی و اسلامی و انسانی به زور و ازار می‌کرد که به جبهه‌های جنگ با عراق بروند و در آنجا آنها را به کشتن می‌داد. بنابراین خمینی هیچ خلقی و هیچ سهمی به خاطر نقش مزورانه و فرصت طلبانه‌اش نداشته و نمی‌تواند داشته باشد. حالا هم البته کاملا قابل فهم است که خیلی گزیده و مغشوب باشد و از اینکه مسئله در راستای مذاکره و حل اقتصاد احساس غبن و گزیدگی بکند.

منهم از جانب مردم و مقاومت ایران فقط یک پیام برای مردم افغانستان دارم و آن اینست که از خمینی بپرسید برای مردم ایران و برای خانی خودش شمس ۱۰ سال حکومت چه کرده که برای شما بکنند؟ از او بپرسید برای ایران و ایرانی چه خبری داشته که برای افغان و افغانی داشته باشد. خمینی برای شما هیچ خبری نداشته و نخواهد داشت. زیرا جز به فکر خودش نبوده و نیست. اصولا از خمینی برای هیچکس خبری برنخاسته و برای شما هم جز زبان و خطوره آوردی نداشته است.

خمینی برای خودش جز لغرت و از زجار تمام مردم ایران و همه‌ی وجدان‌های آگاه جهان، جز خشم مردم ایران و جز سرنگونی و عذاب دنیوی و اخروی فراهم نکرده است.

بنابراین، به اعتقاد ما هر چه خمینی را از مسائل خودتان دورتر نگه دارید و هر چه از او بیشتر فاصله بگیرید و ملتون دجالگری و ریا و فریب اونشویید و اجازه ندهید که کمترین دخالتی در کار شما، در مذاکره‌ی شما و در تعیین سرنوشت شما داشته باشد، برای خودتان بهتر خواهد بود.

فروازهایی از بهترین خون زمین

از صفحه ۱

۲۲ بهمن ۱۳۵۷ - طی قیام مسلحانه مردم تهران رفیق فدایی بانك سلابی در حمله به پادگان عشرت آباد، رفیق فدایی خسرو پناهی در حمله به کلابتری ۶ تهران رفیق محمد علی ملکوئیان در حمله به پادگان جمشیدیه و نیز رفیق فدایی قاسم سیادتی عضو کمیته مرکزی سازمان چریکهای فدایی خلق ایران در جریان فتوح مرکز رادیو تهران، شهادت رسیدند. آنان فرستاد زنده:

" کجاست قایم ای موج  
کجاست قایم ای خون  
کجاست پاروها  
کجاست پاروها  
می خواهم برای ساندن بر دریا  
برای ساندن بر خون،  
سفر کنم تا مرگ  
و هستی ام را مثل گل همیشه بهار  
میان آتش و خون و گلوله و فریاد  
به راه خانه مردم  
بیخ تنقو تب آلود لانه پشنام" (۴)



فدایی شهید رفیق توماج

۲۹ بهمن ۱۳۵۸ - چهار آذر خنق شب ترکمن، توماج، مختوم، جرجانی و واحدی، بدست مزدوران رژیم جمهوری اسلامی شهادت رسیدند. آنان " با تکی از سوزانترین آتش های عشق و فداکاری" در راه آزادی خلقی جان باختند، تا راه پرشکوه انقلاب را هر چه روشن تر نمایند.

" نگاه کن... نگاه کن  
این دریا بی پرچم های سرخ  
که بر دست کودکان ترکمن صحرا  
به گردش درآمده است  
خون دلوران ترکمن صحراست  
خون صیادان و کشتگانست  
خون زمین و شور است  
خون آوازه، خون رفیقانست  
خون آوازه، خون توست، توماج  
..."

توماج... مختوم... واحدی... جرجانی" (۵)

۱۳۵۹ بهمن - رفیق فدایی جهانگیر قلعه میانسد و آب (جهان) که پس از تظاهرات ۱۷ بهمن ۱۳۵۹ توسط مزدوران سپاه پاسداران رژیم ریموده شده بود، توسط این جانمان رژیم خمینی شهادت رسید.

" بیا بگو، رفیق آگاه  
درد مشترک، کار مشترک، نگو مشترک، بیا...  
خون مشترک... برای من مستی کن  
یعنی چه...؟  
کمونیسم یعنی چه، رفیق جهان؟" (۶)

۱۹ بهمن ۱۳۶۰ - یکی از روشمندترین کادرهای جنبش مسلحانه انقلابی خلقهای ایران، مجاهد کبیر موسی خبابانی و نیز سمبل زن انقلابی مجاهد اشرف ربیعی (رجوی) به همراه ۱۷ تن از کادرها و اعضا سازمان مجاهدین خلق ایران، در یک نبرد حماسی با پاسداران رژیم خمینی شهادت رسیدند.

" انقلاب ما چو شد از دست ناپاکان شهید  
نست غیر از خون پاکان خون بهای انقلاب" (۷)

در صفحه ۶

اقدرنیا - سعود پرورش و مجید پیرزاده چهارمی در یک نبرد مسلحانه با مزدوران ساواک شاه شهادت رسیدند.

۴ بهمن ۱۳۵۲ - تعدادی از اعضا و کادرهای سازمان مجاهدین خلق ایران و منجمله مجاهد شهید مرتضی صمدیه لیاف بوسیله مزدوران رژیم شاه اعدام شدند.

۱۶ بهمن ۱۳۵۴ - مبارز انقلابی منطقی شعاعیان طی یک نبرد مسلحانه با مزدوران رژیم شاه شهادت رسید.

۸ بهمن ۱۳۵۴ - حمید موسی، یکی از ثورسین های برجسته جنبش کمونیستی ایران و از مدافعان پیگیر مبارزه مسلحانه علیه رژیم شاه در یک نبرد خیابانی



فدایی شهید رفیق مهدی اسحاتی

با مزدوران ساواک شاه شهادت رسید. او از آن انقلاب بیون بزرگی بود که بر خلاف آیهوت و تعصبات و فرغیست ها که با مشی انقلابی مسلحانه مخالفست می کردند، راه انقلاب را برگزید و در این راه جان خود را همچنان مشغلی در دست گرفت و سوخت تا روشن بخش راه پر شکوه انقلاب شود.

" دهانت را می بویند  
میاد گفته باشی دوست دارم  
دلت را می بویند  
روزگار غریبی است نازنین  
و عشق را  
کنار تبرک راه بند  
تازبان می زند  
عشق را در پستوی خانه نهان باید کرد  
در این بن بست کج و ویج سرما  
آتش را  
به سوختبار سرود و شعر فروزان می دارتد" (۲)

۹ بهمن ۱۳۵۵ - رفیق فدایی کیومرث سجری طی یک نبرد مسلحانه با مزدوران رژیم دیکتاتوری شاه سا قریاد مرکز شهر شاه، مرکز بر امیرالایسم، زنده بساد آزادی شهادت رسید.

" نسل تو از کدام دریا نوشیده است  
که اینگونه هر چه گمراهت را  
پیشانه، بی هراس می بویند  
می بویند  
اما کم نمی شود" (۳)

بهمن ماه خونین در سال ۱۳۵۶ با گسترش جنبش ضد دیکتاتوری مردم ایران همراه بود. جنبش مردمی در تبریز، مردم ارومیه به صحنه سیاست کشاند. بهمن ماه ۱۳۵۶، بر ای جنبش مسلحانه، دورانی بود که بذر کینه، سرشده بود و شروع پندانه دادن می کرد. جنبش مسلحانه انقلابی پاسخ مثبت خود را از زنده ها بطور وسیع دریافت کرد.

۱۲ بهمن ۱۳۱۸ - دکتر تقی ارانی، یکی از مبارکست لنینیست های انقلابی بدست مزدوران رضا شاه قسمر در زندان قصر، شهادت رسید.

بهمن ۱۳۴۹ - رفقای فدایی رحیم سائی و سهندی اسحاقی در نبردهای خونینی که پس از حمله سپاه کل بین مزدوران رژیم و رزمندگان دلیر فدایی در جنگهای شمال صورت گرفت شهادت رسیدند. آنان با ایمانی که به راه انقلاب داشتند و با شوری که در سر داشتند، در رزمی دلورانه بر پیمان خونین خود با کارگزاران و زحمتکش ایران تا کید مجدد نمودند و جان خود را در راه استقلال و آزادی خلقهای ایران فدا کردند.



فدایی شهید - رفیق رحیم ساعی

۱۱ بهمن ۱۳۵۰ - مجاهد کبیر احمد رضایی، یکی از برجسته ترین کادرهای سازمان مجاهدین خلق ایران و اولین شهید این سازمان، طی یک نبرد حماسی به شهادت رسید.

۲۹ بهمن ۱۳۵۲ - دوتن از برجسته ترین چهره های جنبش کمونیستی و انقلابی ایران، دو مدافع پیگیر مبارزه مسلحانه انقلابی علیه رژیم شاه، دوقدایی رزمنده، خسرو گل سرخی و کرامت دانشیان بدست مزدوران امپریالیسم و دیکتاتور شاه خاش اعدام شدند.

" زیباترین مردان  
زیرا  
سردی زیبایست  
که چشم سرخ خورشید را  
خشم دمان تیار خویش  
بر آرنجان می بخشدان  
می بیند" (۱)



فدایی شهید  
رفیق کرامت الله دانشیان



فدایی شهید  
رفیق خسرو گل سرخی

بهمن ۱۳۵۲ - طی یک نبرد خونین با مزدوران ساواک شاه، رفقای فدایی فتحعلی پناهیان - اصغر پشامی - سعید کاشه جی شهادت رسیدند.

۶ بهمن ۱۳۵۲ - رفقای فدایی جعفر محتشمی، قاطمه

### بحران انقلابی، ...

از صفحه ۲

در گشتار و شکنجه، تنها می‌تواند حرکات مذمومانه رژیم در حال سرنگونی باشد. این حرکات نه از موضع قدرت بلکه دقیقاً از موضع ضعف و نه بر سیل فرم، بلکه برای حل ساله داخلی خود رژیم و بعضی پارامترهای بین‌المللی که رژیم شاه هم در پایان عمرش بدان دست می‌زد، می‌باشد. بدین سال دومین خصوصیت يك خط مشی اصولی و انقلابی، مبارزه برای سرنگونی نظام و تمام رژیم حاکم بر ایران و تمام دسته بندیهای درونی آن، یعنی رژیم خمینی است. اما پذیرش این پایه استراتژی انقلابی نیز به معنی قرار گرفتن در صف انقلاب نیست. آنچه نهایتاً مهم و تعیین کننده و سه بیان گامیتر، شرط کافی می‌باشد، اینست که گوشیم رژیم را با چه شکلی از مبارزه باید سرنگون نمود. در این رابطه بخصوس بسیاری از اپورتونیست ها و سکنارست ها می‌کوشند تا در پشت الفاظ به ظاهر انقلابی و مسا پذیرش صوری سرنگونی رژیم ویا طرح سرنگونی قهر آمیز رژیم و سکوت در مورد تاکنیک اصلی و محسوری سرنگونی کنه اپورتونیسم و سازشکاری خود را ثابت کنند. اما اپورتونیست ها اگر روی تراز باشند هم بچرخد و بهر حیطه‌ای هم متوسل شود، نمی‌تواند از پایه مشخص دادن به سوال "رژیم کنونی را چگونه باید سرنگون نمود؟" گریبان خود را خلاص کند. در اینجا صحنه واقعی بینکار بین انقلاب و فرم، بین متکلم بودن بر اصول و دچار بی‌پرنسیبی شدن، بین مدافع راستین توده‌ها بودن و صادقانه ویا غیر آگاهانه در خط بورژوازی و رژیم حاکم بودن، خود را نشان می‌دهد. اگر در مورد اول، اپورتونیست ها بتوانند با توسل به حیطه‌های گه‌گه شده، خط مشی راست روانه و منحط خود را پنهان کنند و یا در مورد دوم بتوانند با دادن صوری شعار سرنگونی رژیم، از بر سر بر خورده مشخصی شانه خالی کنند، اما در مورد چگونگی سرنگونی رژیم، اپورتونیسم ها و سازشکاران، چهره فرم‌گیتی و خیانت بیشه خود را هر چه بیشتر نمایان می‌کنند. زیرا با باید مبارزه مسلحانه انقلابی برای سرنگونی رژیم خمینی را نمی‌کنند و یا با ارائه تاکنیک‌های کاملاً پاسبیستی، از قبیل "ابجاد؟" "اتحادیه‌های کارگری و" برگزاری؟" مجمع عمومی و ...

### فوز انقلابی از پیشانی خلق

از صفحه ۵

بهمن ۱۳۶۰ - بیش از ۱۵۰ تن از زندانیان سیاسی ایران در زندان اوین به پاس ادای احترام به جسد انقلابی کبیر موسی خیابانی، توسط مزدوران رژیم خمینی بشهادت رسیدند.



مجاهد شهید موسی خیابانی

"راستی اگر موسی صخره بود، چه صخره استواری بود  
و اگر کوه بود، چه کوه پایداری بود"

(سعود رجوی)

۲۳ بهمن ۱۳۶۱ - ۱۱ تن از پیشمرگان دلیر فدایی، تحت فرماندهی شهید فرمان رحمان رفیق فدایی سعود رحمتی، طی يك درگیری حماسی با مزدوران رژیم خمینی، بشهادت رسیدند. آنان با شهادت خود بر حقانیت راه مبارزه مسلحانه انقلابی برای سرنگونی رژیم خمینی مهر تأیید زدند و گرچه تبهکارانسی همچون توکل و زهری می‌خواستند از خون این دلیران برای توطئه علیه خط اصولی و انقلابی سو استفاده کنند، اما گذشت زمان و بویژه فاجعه جنایتکارانه گاپولون هم مشت این تبهکاران را باز کرد و هم راه انقلاب مسلحانه خلق را شفاف تر نمود.

"من برگه را سرودی کردم  
سر سبز تو زبیشه  
من موج را سرودی کردم  
پر نقش تو از انسان  
من عشق را سرودی کردم  
پر طبل تو زمرگ  
سر سبز تو ز جنگل  
من برگه را سرودی کردم  
پر تیش تو از دل دریا  
من موج را سرودی کردم  
پر طبل تو از خیابان  
من برگه را  
سرودی کردم." (۸)



فدایی شهید رفیق سعود رحمتی

زیر نویس ها

- ۱ - اسماعیل خوشی
- ۲ - سعید سلطانپور
- ۳ - اسماعیل خوشی
- ۴ و ۵ - سعید سلطانپور
- ۶ - فرخی بزدی
- ۷ - شاملو
- ۸ - شاملو



علا از تسلیم در مبارزه انقلابی دفاع کنند. گر چه مبارزه مسلحانه بدون پذیرش دو عنصر دیگر خط مشی انقلابی، یعنی قبول بحران انقلابی و شرایط انقلابی و نیز پذیرش سرنگونی تام و تمام رژیم، فاقد جوهر انقلابی است، اما پذیرش آن عنصر اصلی در عناصر تشکیل دهنده يك خط مشی انقلابی است. مبارزه مسلحانه بعنوان شکل اصلی مبارزه در شرایط کنونی که رژیم تمامی راههای مبارزه را در تطفه خفه می‌کند و هرگونه مبارزه را نشدت سرکوب می‌کند، آن شکلی از مبارزه است که سایر اشکال ضروری مبارزه بر محور آن تکامل می‌یابند و هم انرژی این حرکات در محور مبارزه مسلحانه برای سرنگونی رژیم از طریق يك قیام مسلحانه توده‌ای در شهرهای بزرگ، ذخیره می‌شود و هم هسته سازمان قیام مسلحانه را بر ای مبارزه در مقیاس سرنگونی رژیم، همواره آماده در حال رشد نگه میدارد. این مبارزه با محوری قرار دادن شعار و خواست آزادیها و حقوق دمکراتیک توده‌ها که پس از قبول قطعنامه ۵۹۸ از جانب رژیم نسبت به خواست صلح از ارجحیت برخوردار شده است، انرژی مبارزه توده‌ها را در جهت سرنگونی رژیم خمینی ذخیره و سازمان می‌دهد. بدین ترتیب در يك پیکار عظیم و بی وقفه علیه مستکبرترین رژیم تاریخ ایران و یکی از مستبدترین رژیم‌های تاریخ جهان، عناصر اصلی يك استراتژی و خط مشی انقلابی در بطن خود جنبش انقلابی و مسلحانه رشد و تکامل می‌یابند و خود را برای رسانی که تاریخ میهن ما اکنون در مقابل آنان قرار داده، آماده می‌سازند و دور نیست روزی که رژیم دهنش و ارتجاعی خمینی با قدرت لایزال توده‌های مردم ایران سرنگون و پروبرانه های جامعه‌ای که با حاکمیت استبدادی و مذهبی خمینی راه قهرانی می‌رفت، صلح، دمکراسی، شگفتی، استقلال و عدالت اجتماعی استقرار یابد. این نه بلکه رویای غیر واقعی، بلکه حقیقت مسلمی است که منتظران و پاسقیست ها، هرگز نمی‌توانند آن سرا برای کاسیبه "در برابر تنور می‌ایستند، خانه را روشن می‌کنند، و می‌میرند" مخدوش و پنهان سازند.



### رژیم خمینی و اوپک

رژیم خمینی که در گذشته با حراج کردن نفت، فربه محکمی به اوپک و مناسبات بیرده کشور عضو آن زده بود، اکنون که در مقابل مسائل حادی قرار گرفته، وقتت نفت هر روز کاهش می‌یابد، مجبور به عقب نشینی می‌شود. در آن مدت کشورهای عضو اوپک در سال گذشته تقریباً معادل ۹۵ میلیارد دلار در سال بود. در حالی که در سال ۱۹۸۰ این رقم معادل ۲۸۶ میلیارد دلار با طور متوسط بشکله‌ای ۲۵ دلار بود. سهمیه بندی جدید در اوپک که مورد توافق کلمه اعضای اوپک در نشست اخیر آن قرار گرفت بقرار زیر است: عربستان سعودی با چهار میلیون و پانصد و بیست و چهار هزار بشکله در روز، بیشترین مقدار نفت را صادر می‌کند.

کشورهای امارات متحده عربی، الجزایر، قطر، کابن و اکوادور با میزان صدور کمتر از يك میلیون بشکله در روز برای هر کشور، پائین ترین مقدار را در جدول کشورهای صادرکننده نفت دارند.

رژیم خمینی و عراق هر يك معادل دو میلیون و شصت و چهار هزار بشکله در روز نفت صادر می‌کنند. و نیز و شلا يك میلیون و شصت و سی و شش هزار بشکله در روز نجره يك میلیون و سی صد و پنجاه و پنج هزار بشکله در روز، اندونزی يك میلیون و دویست و چهار هزار بشکله در روز و لیبی و کویت هر يك مقدار يك میلیون و سی و هفت هزار بشکله در روز نفت صادر خواهند کرد. حجم کل صادرات کشورهای عضو اوپک بر طبق این سهمیه بندی هجده میلیون و پانصد هزار بشکله در روز می‌باشد.





## مسائل نیکاراگوئه

نیکاراگوئه‌ها نیکاراگوئه را  
باز می‌یابند!

نویسنده: توماس بورخه  
تاریخ: سپتامبر ۱۹۸۲  
قسمت آخر)

ایالات متحده البته که خود را محق حضور نظامی می‌داند و ما را متهم می‌کند که قصد داریم انقلاب را به سراسر امریکای مرکزی صادر کنیم، برای روحیه سوداگری شکل قابل‌مهرکی است که انقلاب چیری غیر از یک کالاست. سومزائیسیم نه تنها حاصل رنج و کار مردم ماریه امریکا صادر می‌کند، حتی همانطور که گفتیم خون کارگران ما را هم به یک کالای صادراتی تبدیل کرده بود. نیروی عادت سوداگران خون و عرق ملت ما را به این تصور کشانیده که ما اکنون می‌خواهیم انقلاب را هم به یک کالای صادراتی تبدیل کنیم بنیسان گزاران بازار مشترک امریکای مرکزی درک نمی‌کنند که اگر در نیکاراگوئه انقلابی به وقوع پیوسته است و اگر خلقهای السالوادور و گواتمالا هم قیام کرده‌اند، این بدان علت است که این خلقها از یک بحران مشترک ناشی از استثمار شدید رنج می‌برند. اگر خلق نیکاراگوئه زودتر برخاست به این خاطر بود که اینجا تضادهای زودتر تشدید شدند. تضادهایی که ستون فقراتشان، گرسنگی، بیکاری و اختناق و سرکوب در امریکای مرکزی است.

بین سالهای ۱۹۵۰ و ۱۹۸۰ تولید خالص اجتماعی در امریکای مرکزی ۵ برابر شد. شرکت در تولید صنعتی از ۱۵٪ به ۲۵٪ رسید. مبادرت به شهرها از ۱۶٪ به ۲۳٪ افزایش پیدا کرد. فکر می‌کنید این آمار و ارقام برای اهالی این منطقه که در این فاصله زمانی (۱۹۵۰-۱۹۸۰) از ۸ میلیون به ۲۰ میلیون نفر افزایش پیدا کرده‌اند، چه مفهوم مشخصی دربردارد؟ یک بدهکاری خارجی که در این مدت ۲۵ برابر شده و فقط در خدمت ناسین هزینه صنعتی است که حتی توان شاق‌تر کردن شده‌های پرولتریزه شده دهقانی را هم ندارد. تمرکز درآمدها در دستهای یک اقلیت محدود در حالیکه بیش از نیمی جمعیت در فقر و حشمتالک زندگی می‌کنند و حتی از کمبود آب آشامیدنی رنج می‌برند، چه رسد به کمبود پزشک، در السالوادور برای هزار ۴۰۰۰ نفر فقط یک پزشک وجود دارد، در حالیکه در اروپا برای همین تعداد جمعیت حداقل باید ۸ پزشک وجود داشته باشد!

تحت چنین شرایطی چطور می‌تواند در نیکاراگوئه

گوا انقلاب رخ ندهد؟ چطور می‌توان انتظار داشت که در السالوادور انقلاب رخ ندهد؟ اینکه خلق نیکاراگوئه اولین انقلاب را به پیروزی رساند، ظمعا الگوئی است برای دیگر خلقهای این منطقه. اما من نمی‌دانم که الگو بودن تا چه حد می‌تواند معنای مساوی با صدور انقلاب داشته باشد؟ با چنین طرز تفکری می‌توانیم ادعا کنیم که خود ایالات متحده بود که انقلاب را به نیکاراگوئه صادر کرد. زیرا با انقلاب در سال ۱۷۷۶ به ما درس داد که یک خلق چه باید بکند وقتی که مورد ستم یک نیروی خارجی واقع می‌شود. ما مطمئنیم که می‌دانیم که دولت ریگان خاطره خوشی از خود برجای نخواهد گذاشت، که سعی می‌کند اهدافش را به وسیله تانکها، گاردها و سیا به ما تحمیل کند. این در هیئت صورت فقط تشویقی خواهد بود برای دیکتاتورهایسی امثال "اشتروراسز" و "پینوشه".

اعمال دگرگونی دولت ریگان، حداقل در خارج از مرزهای ایالات متحده زبان "پاول رور" و "جرج واشنگتن" را هم اگر زنده می‌بودند بند می‌آورد. دولت مردان امروزی امریکا فقط به طرح ریزی تعقیب و آزار کشیشان و روحانیون که برای منافع محرومان مبارزه می‌کردند اکتفا نکرده بلکه هزینه این اعمال را هم بنام "آزادی بیان" از طریق موسساتی از قبیل "استیتو برای آزادی و دموکراسی" تامین کردند. و بعد هم دولت نیکاراگوئه را متهم به اعمالی کردند که خود انجام می‌دهند. البته در این مورد حقیقتا به یکی از بارزترین خصوصیات انقلاب نیکاراگوئه برخورد کرده‌اسند. انقلاب ما اولین مورد تاریخی است که در آن مسیحیان نقش به‌زائی به عهده گرفته‌اند و این افسانه را شکسته‌اند که "مسیحیت و انقلاب غیر قابل انطباق می‌باشند". ظمعا مسیحیانی هم وجود دارند که مخالف انقلاب باشند، چنانچه در میان کشاورزان هم می‌توان از این افراد یافت. مگر بسیاری از گارددهائی که از طرف سومزا برای سرکوب کشاورزان نیکاراگوئه استخدام شدند، خواستگاه دهقانی ندارند؟ و یا مگر وقتی که سومزا درست‌تر بسیاری دستور اعدام دسته جمعی انقلابیون را صادر کرد، ده‌ها از کشیشسان رده بالا برایش دعای سلامتی نخواندند.

چرا نباید این افسانه شکسته بشود که "باید نقشی را به عهده گرفت که از طرف اربابان امپریالیزم لیست سفارش می‌شود؟"

کسانی که چندین بی‌شرم هستند که کشور فقیر و کوچکی را متهم می‌کنند که خطری برای قدرتمندترین کشور دنیا است، ظمعا چنین تساوی هم دارند که به ما تهمت ادیت و آزار مذهبیون را بزنند.

باب در کاخ سفید می‌گوید که ما مذهب را ممنوع کرده‌ایم. اما این برایش اهمیتی ندارد که بسیاری از روحانیون در دولت ما شرکت دارند و بسیاری از مجامع مذهبی با اعتقادشان تفنگ بدست از انقلاب حمایت می‌کنند. ظمعا کسانی که از نیکاراگوئه دیدار کردند، به محدودیت‌های که عقب ماندگی و عدم رشد و توسعه مشکلاتی که بحران سیستم جهانی سرمایه‌داری به ما تحمیل می‌کند، پی‌بروند. در چهار سال گذشته جمعیت کشور بیش از ۳۰۰۰۰۰ نفر رشد کرده است. سازماندهی جدید بازار داخلی این امکان را بوجود آورده که سواد غذایی اصلی بطور دائم و گسترده در دسترس باشد. به واسطه تقسیم عادلانه درآمد طبقات محروم قدرت

## موج جدیدی از اعدام زندانیان سیاسی در ایران

روبرنامه رکورد سه شنبه ۱۳ خنابیر لندن - مبارزکوارش سازمان نفو بین الملل ۳۰۰ نفر زندانی سیاسی در ایران بطور مخفیانه اعدام گشت‌اند. سازمان جهانی حقوق بشر مستقر در لندن گسزارش می‌دهد که شواهد حاکی از اقبل رسیدن هزاران زندانی در ایران می‌باشد. به گفته سازمان نفو بین الملل فعالیتن سیاسی بطور مخفیانه در سراسر ایران اعدام گشته‌اند که زندانیهای اوین و فخر دست در تهران و هم چنین در زندان مشهد، تبریز و شیراز در شمار این زندانیها می‌باشند. مقامات ایرانی سخت این خبر را تکذیب کردند. اما سازمان نفو بین الملل گسزارش می‌دهد که شواهد بدست آمده توسط گزارش خامنه ای رئیس جمهور ایران سخت این خبر را تأیید می‌کند. در میان اعدام شدگان افرادی وجود داشتند که با مدت مقرر زندانی خود را پایان رسانده بودند و هنوز آزادی نگشته بودند و تعدادی نیز پس از آزادی از زندان دوباره دستگیر شده بودند. نفو بین الملل می‌گوید که اعدام شدگان شکنجه شده بودند.

خرید بیشتری بدست آورده‌اند. تقاضای روغن، شکر تخم مرغ، آرد، گوشت مرغ و شیر پاستوریزه بطور کیفی افزایش پیدا کرده که نارسایی در تدارک کسات و کمبود مواد غذایی را بدنبال دارد.

این وضعیت که ظمعا از طرف دشمنان ما مسورد استفاده تبلیغاتی قرار می‌گیرد، باید در عواملی که از یک اقتصاد وابسته و عقب مانده سرچشمه می‌گیرد، ریشه یابی شود. بازاری اقتصادی در کشاکش یک کمبود ارز پیوسته و یک بازار عمیقاً غیر عادلانه بین المللی به پیش برده می‌شود. علاوه بر این ما تحت فشار تحریم اقتصادی ایالات متحده قرار داریم که پیامدهای آن نه تنها در توقف واسطه‌های مستقیم و خرید تولیدات نیکاراگوئه بلکه حتی در فشارهای موفقیت آمیز بر دولتها و موسسات مالی متعکس می‌شود. مشکلاتی از قبیل کمبود، بیکاری و رشد ناگانی نیروی تولید یک راه حل کوتاه مدت دارند. ما سازماندهی جدید دستگاه تولیدمان بر این وضع نیست بلکه می‌کنیم. ما بواسطه تقسیم عادلانه تولید اجتماعی، تولیدات و قدرت تولیدی را با ما می‌بریم. البته تمام اینها مشروط بداشتن یک استراتژی رشد اجتماعی و اقتصادی است که همزمان مجازمان به دارد تا همان و معمم با دشمن تکامل یعنی امپریالیسم امریکا به مقابله برخیزیم.

ما می‌خواهیم یک دولت مدرن را بنیان بگذاریم و در چهارچوب منطق عدم تعهد با تمامی کشورهای جهان رابطه برقرار کنیم. ظمعا پادشاه خسرد و دانش با ظمعی که توسط تمامی قوطیهای دنیا تکرار می‌شود فریاد خواهد زد: نیکاراگوئه یکی از افسار اتحاد جماهیر شوروی است.

اگر ما روحیه بردگی می‌داشتیم، برای ما بسیار ساده‌تر و در عین حال کم خرج تر می‌بود که یکی از افسار ایالات متحده باشیم. من یقین دارم که در این صورت هیچ کشتی جنگی هم وجود نداشت که با توپهایش سواحل ما را تهدید کند. ما با کشورهای سوسیالیستی روابط دوجانبه‌ای بر حسب احترام متقابل داریم و بعد از این هم خواهیم داشت، چنانچه با بسیاری از کشورهای اروپایی غربی و امریکای لاتین هم رابطه داریم. روابط سوزده علاقه ما، از نوع روابطی است که ما فی الملل - با مکزیک، کوبا، فرانسه، یونان و سایر اتحاد جماهیر شوروی داریم.

پایان

پیروز باد مبارزه قهرمانانه خلق کرد برای آزادی و خودمختاری

## چه کسانی حقایق را به مردم گفتند؟

## چه کسانی به توده‌ها دروغ گفتند؟

در شهریور ماه اسامیل مذاکراتی بین باند تبهکار توکل (اکبر کامیابی) و جماعت "شورای عالی" صورت گرفته و پس از مدتی چندین "اعلامیه"، "بیانیه"، "برنامه"، "متمم برنامه" و "اصلاحیه برنامه" و... که بطور مشترک امضاء شده از جانب طرفین انتشار یافت. خوانندگان بخاطر دارند که "جماعتی" که امروز اعلامیه وحدت می‌دهند در تاریخ ۴ بهمن ۱۳۶۵ به روی هم اسلحه کشیدند و عده‌ای از طرفین را به قتل رساندند. توکل که امروز در مانده‌تر از هر وقت دیگر، به گدایی به اصطلاح "وحدت" که در واقع چیزی جز ساخت و پاخت موقتی نیست، می‌رود، آنروز در گاپیلون عراق خود را در ستاد فرماندهی "پرولتاریائی" ایران احساس می‌کرد که با همکاری آدم‌بسی از ده و سیک مغزی همچون مستوره احمدزاده و با پشتیبانی خارجی عنصر مشکوک و تبهکاری همچون حسین زهری، فرمان آتش می‌داد. جماعت شورای عالی نیز که امروز بر اساس آنچه از درون "کنگره" شان منتشر کرده‌اند، می‌توان فهمید که چه آش "شل و بی‌مایه" و "هفت" جوشی هستند، آنروز بخاطر وحدت نظر بحقی که بین اکثر نیروهای سیاسی در محکوم نمودن باند توکل - زهری - مستوره بوجود آمده بود، خود را کم کرده و آنچنان دچار خود محور بینی کوتاه نظرانه شده بودند، که انکار در جریان حوادث هیچ‌گناهی مرتکب نشده‌اند و آنان جزء "معمومین" و "مقدسین" هستند که بر دامن "کمربا" می‌آیند هیچ‌گویی نمی‌نشینند. این جماعت بر تضاد و تناقض و ایضا بر سدهای کم محسوس، آنروز در مقابل اعلامیه اشتراگرانه و تحلیلی ما، چنان برآشفته شدند، که حتی پیش پا افتاده‌ترین - برنسیب‌ها را نیز زبیرا می‌گذاشتند. اما گذشته تاریخ واقعا روشنگر بسیاری از حقایق است. حقایق تلخ و بسیار عبرت انگیز، برای کسانی که چشمی برای دیدن و گویی برای شنیدن و مغزی برای فکر کردن و قلبی برای احساس کردن دارند. اما متأسفانه جماعت شورای عالی و توکل تبهکار و فرومایه نشان می‌دهند که حقایق رانه می‌بینند و ته می‌شوند و ته می‌توانند. آنچه در واقعیت می‌گذرد را احساس کنند و اطراف آن ببینند و بدتر از آن، خودخواهی‌های روشنفکر مایه‌ها از آنان موجوداتی ساخته که هر بار که حرفی هم می‌زنند، خاک به چشم توده‌ها می‌پاشند و آنچنان حقایق را تحریف می‌کنند، که گوش برای قلب تاریخ آفریده شده‌اند، بهر حال اکنون باند تبهکار توکل و دارودسته شورای عالی تمسیم گرفته‌اند "متحد" شوند. اعلامیه کمیسیون به اصطلاح وحدت در شماره ۵ نشریه "شورای عالی" بنام کار که در تاریخ شهریور اسامیل منتشر شده، چاپ شده است. این اعلامیه و موضع کمیسیون مشترک توکل تبهکار و جماعت شورای عالی، افشا کننده گذشته و حال این گونه افسرد و ورشکسته است. هنگامی که ماجرای جنایتکارانه گاپیلون در ۴ بهمن ۶۲ اتفاق افتاد، ما بیانیه‌ای تحت عنوان "در باره آخرین جنایت باند حاکم براقلیست و سر نوشت رقت انگیز آن" در تاریخ ۱۰ بهمن ۶۴ منتشر کردیم و با دلائل و قاطعیت‌های روشن و دقیق جنایت باند تبهکار توکل - زهری را افشا کردیم، اما

## رویدادهای افغانستان سوء استفاده خمینی

از صفحه ۴  
اینرا من از روی خبرخواهی و تجربه‌ای که تمام مردم ایران از سر گذرانده‌اند به استحضارتان رساندم. ولایه که آن افراد و گروههایی از مردم افغان هم که از نزدیک خمینی را تجربه کرده‌اند به این حقیقت واقفند.  
در هر حال وقتی که خمینی سبب و نقش می‌خواهد تکرار می‌کند که باید از او پرسید تو با این همه ادعایت درباره‌ی اسلام و مستضعفین و ایران و مسلمین در درون کشور خودت چه کردی که حالا قصد دخالت در سایر جاها را داری؟

مردم ایران رژیم خمینی در مبارزه اسرای جنگی، به اشکال مختلف کارشکنی می‌کند، با مبارزه متحد و یکپارچه خود، رژیم خمینی را مجبور به قبول سباده کامل ایترای جنگی بنماید.  
سازمان چریکهای فدایی خلق ایران  
س. ۲ - ت. ۳  
پیرو برنامه (هویت)

"یکی از علل حمله مسلحانه عوامل بورژوازی به مرکز فرستنده رادیوی صدای فدایی، وحدت یابی مبارزه طبقاتی است" (از متن مصاحبه) - وی در مورد این "توطئه" ادامه می‌دهد که "مادر اینجا شاهد هستیم که یک باند که در رأس آن اپورتونیست‌هایی همچون مصطفی منعی و حماد شیبانی که کارنامه سیاسی آنها نیز بقدر کافی بر توده‌های مردم ایران روشن است، قرار داشتند، بعنوان عاملین اجرائی بورژوازی عمل کردند" (از متن مصاحبه).

اکنون خود توکل جنایتکار می‌خواهد با همین افراد که در مصاحبه آن موقع علیه آنان حرفهایی زده، "متحد" شود. خوانندگان بخشهایی از مصاحبه توکل تبهکار برای شناخت بیشتر کسی که در روز فرمان آتش به روی جماعت "شورای عالی" داده و امروز می‌خواهند با آنان متحد شود، جالب است (شماره ۲).

در رابطه با قربانیان فاجعه گاپیلون نیز، هم جماعت "شورای عالی" و هم توکل، دچار بی‌پرسی بی‌معنی مطلق آن شدند. ابتدا هریک از طرفین افراد خود را که در این جریان گشته شدند "شهادت" و قربانیان طرف مقابل را بشکلی معرفی کرد که گوش دشمن سوگند خورده خود را گشته‌اند. اما پس از گذشت زمان و هنگامی که دوطرف به بن بست کامل رسیدند، حالا عموماً مادر مقابل قربانیان این جنایت سکوت می‌کنند و اگر در مواردی از آنان یادآوری کنند، در مورد ۵ نفر به یک شکل اظهار نظر می‌کنند.

اما مهمتر از همه اظهار نظر امروز توکل تبهکار و باند "شورای عالی" در مورد فاجعه گاپیلون است. اظهار نظر آنان که بطور کامل در اینجا چاپ میشود (سند شماره چهار)، حقیقا برای کسانی که می‌خواهند یک حادثه مهم را ماسمالی کنند، آموزنده است.

فاجعه‌ایکه هریک از طرفین در ابتدا در مورد مسئول آن خود را کاملاً سراسر از خط و طرف مقابل را "توطئه‌گر"، "عامل بورژوازی" و... می‌نامید. اکنون به شیوه "لیبرالیستی" مورد تحلیل قرار می‌گیرد و طرفین خود "درگیری" را محکوم و مسئولیت اصلی آنرا تقریباً سکوت می‌گذارند.

برای اینکه معلوم شود این ما بودیم که حقایق را به توده‌ها می‌گفتیم، آنرا بطور کامل چاپ می‌کنیم (شماره ۲). در آن موقع ما نکاتی از انحرافات شورای عالی را نیز بیان کردیم. در آن موقع ما بخصوص به "عناصر ناسالم و ناصادق" درون جماعت شورای عالی اشاره کردیم. این حقایق خشم جماعت شورای عالی را برانگیخت و آنان را وادار کرد که در تاریخ ۱۷ بهمن همانسال "اعلامیه" ای تحت عنوان "در باره گزارش راهبویی اخیر مجاهدین خلق از فاجعه ۴ بهمن ماه" منتشر کردند و در آن بخشی از محتویات درون خود را، علیه ما و مجاهدین خلق، با لا آوردند. کوتاه بینی افراد قدرت پرست و غیر صادق "شورای عالی" به آنان اجازه نمی‌داد واقعیت وجودی ما را بپذیرند. بدین جهت با عوانفریبی سعی کردند ما را "مداقم" توکل نشان دهند. متن کامل اعلامیه آن موقع شورای عالی را برای توجه خوانندگان به مواضع امروز شورای عالی و بی‌بردن به مواضع این افراد ناسالم چاپ می‌کنیم. سند شماره ۲) - در آن موقع باند شورای عالی ما موافق نظر توکل می‌دانست و معتقد بود "امروز کمتر کسی ممکن است مواضع دارودسته توکل را مورد توجه قرار داده باشد، اما نداند آن سیاست لیبرالی و راسبست روانه‌ای که در ادامه خود چنین جنایت هولناکی را بر سر سازمان ما تحمیل کرد، نتیجه سیاستهای لیبرالی و همان با کمترین و همان اپورتونیستی که از مقتهایش و بی‌بیزه در انتفاظ نظر کامل با خود آقای مهدی سابع در سازمان و بی‌بیزه در تشکیل کمیسیون رواج یافته بود" (اعلامیه جماعت شورای عالی ۱۷/۱۱/۶۴) و امروز این جماعت ورشکسته که اکنون نیز حامل عناصر ناسالم و ناصادق بوده و حقیقا "گانوئی" از خرد بورژوازی - های بی‌هویت و متزلزل هستند، می‌خواهند با همان توکل "وحدت" کنند. در آن موقع وقتی ما از "بحران"، "نشفت"، "پراکندگی" و "از هم پاشیدگی" و "ضعف" در نیروهای سدهای مارکسیسم لیننیسم صحبت می‌کردیم، جماعت "شورای عالی" که از بیگان حقایق بی‌خشمگین می‌شوند، به ما می‌پوروش آ ورده و خیفانه نوشتند که "آنچه که مجاهدین خلق و آقای سابع مطلقاً از درک آن عاجز مانده‌اند، این است که بر خلاف تمایل آنها، اقدامات جنایت آمیز دارودسته توکل به هیچ وجه موجب از هم پاشیدگی انسجام درونی سازمان ما نبوده" (اعلامیه شورای عالی در ۱۷/۴/۶۲)، امروز از "نشفت و پراکندگی حاکم برجسته" کمیونیستی ایران" که در طول سالهای اخیر بیش از هر زمان دیگری وسعت یافته و اینکه جنبش کمیونیستی "بسیوی نشفت و پراکندگی سوق یافته است" (اعلامیه کمیسیون وحدت از نشریه کار شماره ۷ شهریور ۶۲ - تاکید از ما است) صحبت می‌کنند. خرد بورژوازی که تنها نولک دماغ خود را می‌بیند، اینچنین در مقابل قبول واقعیت مقاومت می‌کنند تا سرانجام مجبور شود با تزلزل و بطور دست و پا شکسته حقیقی را قبول کند. در همان موقع توکل تبهکار نیز در مصاحبه با شمیمه نشریه کار شماره ۱۹۹ در تاریخ اسفند ۶۴، از جیبی از قبیل "توطئه بورژوازی علیه طبقه کارگر" در مورد فاجعه گاپیلون بهم می‌پاشد، و می‌گوید:









بنا بر سبب نثری به تفکرات بار فزینی توکل

مسئول تشکیلات ران بود، عضو کمیته مرکزی و عضو تحریریه کار.

شماره ۴

سال هشتم (مهرماه ۱۳۶۰)  
شماره ۹۹ - صفحه ۱

سؤال: شما در صحت یا نداشتن از جمله منطقی به چه باور  
یعنی به رادیکالیته‌های مداخله‌گر می‌توانید بگویید. بزرگواران علی‌به  
شده کارگر ایران نام برده‌اید. لطفاً در مورد عوامل و عناصر  
تشکیل دهنده این گروه توضیح بیشتری بدهید.

جواب: منطقی است که در مورد و مداخله‌گر به چه باور  
مرد نشان داد. اما منطقی نیست که مداخله‌گر به چه باور  
تواند باشد. بزرگواران به چه باور می‌تواند باشد. بزرگواران  
از طریق عوامل خودی که با هم می‌توانند با هم بزرگواران  
مردن سازمان بودند. و مداخله‌گر به چه باور می‌تواند باشد.  
تاریخ در هر شرایطی برای مداخله‌گر به چه باور می‌تواند باشد.  
و مداخله‌گر به چه باور می‌تواند باشد. بزرگواران به چه باور  
می‌تواند باشد. بزرگواران به چه باور می‌تواند باشد.  
سؤال: ممکن است منطقی در مورد سوانح و کارنامه  
سیاسی ایران این باشد توضیح دهید؟

جواب: منطقی نیست که ایران این باشد به چه باور  
مداخله‌گر به چه باور می‌تواند باشد. بزرگواران به چه باور  
تواند باشد. بزرگواران به چه باور می‌تواند باشد.  
تاریخ در هر شرایطی برای مداخله‌گر به چه باور می‌تواند باشد.  
و مداخله‌گر به چه باور می‌تواند باشد. بزرگواران به چه باور  
می‌تواند باشد. بزرگواران به چه باور می‌تواند باشد.  
سؤال: ممکن است منطقی در مورد سوانح و کارنامه  
سیاسی ایران این باشد توضیح دهید؟

جواب: منطقی نیست که ایران این باشد به چه باور  
مداخله‌گر به چه باور می‌تواند باشد. بزرگواران به چه باور  
تواند باشد. بزرگواران به چه باور می‌تواند باشد.  
تاریخ در هر شرایطی برای مداخله‌گر به چه باور می‌تواند باشد.  
و مداخله‌گر به چه باور می‌تواند باشد. بزرگواران به چه باور  
می‌تواند باشد. بزرگواران به چه باور می‌تواند باشد.  
سؤال: ممکن است منطقی در مورد سوانح و کارنامه  
سیاسی ایران این باشد توضیح دهید؟

با اخراج کرده‌اند و با مسائل دیگر سازمان را احاطه کرده‌اند.  
این افراد گذشته داشتند که افرادی را که می‌توانستند از منطقی  
پیش اخراج بودند. بخاطر رعایت منشی از حد دیگران  
نگه‌داران داشتند و اخراجشان منطقی‌تر از این است که  
و افکار علیه سازمان دست زدند.

سؤال: شما آثار فکری داشتند در این موضوع که منطقی  
مدن ما بر چه روشی نظرات، توانست ما معیشت در تحریریه  
نشریه کار و مداخله‌گر به چه باور می‌تواند باشد. بزرگواران به چه باور  
تواند باشد. بزرگواران به چه باور می‌تواند باشد.  
تاریخ در هر شرایطی برای مداخله‌گر به چه باور می‌تواند باشد.  
و مداخله‌گر به چه باور می‌تواند باشد. بزرگواران به چه باور  
می‌تواند باشد. بزرگواران به چه باور می‌تواند باشد.  
سؤال: ممکن است منطقی در مورد سوانح و کارنامه  
سیاسی ایران این باشد توضیح دهید؟

سؤال: ما توجه به محنت‌هایی که در مورد این باشد  
کرده‌اید. درباره پایه‌های سیاسی - ایدئولوژیک این باشد  
توضیح دهید. و منطقی روش کنید که ایدئولوژیست این گرایش  
در چه زمینه‌های اشکارا بروز نمود؟

سؤال: شما گفتید که منطقی مدنی دستگاه خودی را  
پنهان نکرد. سببش را در عبارات بزرگواران این منطقی‌ها  
حاصل بر آن کرده‌اند که علت عدم بروز اختلافات دروس سازمان در  
منطقه جنوب، نبودن دگرگونی تشکیلاتی بود. است. نظرات در  
این مورد چیست؟

سؤال: باید مدنی - سیاسی در مداخله‌گر به چه باور  
تواند باشد. بزرگواران به چه باور می‌تواند باشد.  
تاریخ در هر شرایطی برای مداخله‌گر به چه باور می‌تواند باشد.  
و مداخله‌گر به چه باور می‌تواند باشد. بزرگواران به چه باور  
می‌تواند باشد. بزرگواران به چه باور می‌تواند باشد.  
سؤال: ممکن است منطقی در مورد سوانح و کارنامه  
سیاسی ایران این باشد توضیح دهید؟

چه کسانی حقایق را به مردم گفتند؟  
چه کسانی به توده‌ها دروغ گفتند؟

در رابطه با فاجعه کاپیتولن منتشر کرده‌اند. اما سبب  
از قربانیان آن بادی که نکرده‌اند هیچ. به آنان  
اشاره‌ای هم نکرده‌اند. ضمناً در تحلیل فاجعه کاپیتولن  
، و طرف به یک شیوه مبتذل تحلیل روی آورده‌اند تا  
کار امروز خود را توجیه کنند. در مورد بحران درون  
سازمان آنرا تا سال ۶۲ بحران ایدئولوژیک - سیاسی  
نامیده‌اند ولی بعد از آن را بحران ناشی از فقدان  
تشکیلات مناسب با ایدئولوژی و برنامه دانسته‌اند.  
آنان بخصوص سالهای بین ۶۲ تا ۶۴ را سالهای  
دانسته‌اند که اقلیت به "خطوط صریحاً مشخص  
ایدئولوژیک سیاسی دست یافت" (همانجا)  
بهار سال ۶۲، شبه کودتای باند توکل - زهری علیه  
ما (خط اصولی) در سازمان اتفاق افتاد و سه زودی  
از طرف ما برنامه (هویت) سازمان اعلام شد.  
از آن موقع بخصوص تا سال ۶۳ بین ما یکی از  
دوران‌های تاریک عمر اقلیت بود. در آن دوران باند‌های  
درونی اقلیت، هریک بقدر خود بودند. دست نداشتند،  
توطئه‌گری، تمغیه خونین، ودهها اقدام غیردمکراتیک  
دیگر در درون اقلیت اتفاق می‌افتاد. توکل بدون  
هیچگونه برنامه مشخص، برنامه به اصطلاح "حرب"  
خود را از روی برنامه سوسیال دمکراسی روسیه کپی  
می‌کرد و حسین زهری تکیه‌کار برای خوش آمد بعضی  
مقامات به فتنه‌گری در خارج و اقدامات پرهیاهو دست  
می‌زد. هیچ بحث سالمی در این دوران در بین این  
جماعت پیش نرفته است، تمامی تلاش توکل در این  
فاصله این بود که خودی نشان دهد و حسین زهری  
در صفحه ۱۲

شبهه شکر اینها نتوان دهنده آن چیزی است که  
اطلاعه‌های اشکارا پیدا کرده. از کسانی که ۴ سیر  
آسیم ۴ عضو اخراج می‌تواند شورای عالی سازمان دست بکنند  
و از همه تشکیلات بخوانند که بیایند خودشان را معرفی و تسلیم  
بکنند اگر تسلیم نکنند مجازات میشوند. باید ما این صحبت را  
بکنند.

همان مسئولین و افکار و کارهایی که در اینجا مطرح  
کرده هر کسی که با مسائل تشکیلاتی هم آشنا باشد  
بلکه قدری شعور سیاسی داشته باشد می‌تواند که پسند  
کارها، افعال و مسئولین که هستند. "مشول بودن". مسئول  
موتورخانه، "مشول تدارکات"، "مشول نظامی" و از این  
قبیل. منظور اینها هواداری است که یک موتور ۴ یا ۵ کیلو  
واتی را خاموش و روشن می‌کند. شده مسئول برق و مسئول  
موتور برق و غیره. با مثلاً از مشول سابق نظامی صحبت می‌کنند که  
بیشتر کسی است که اکنون مدت زیادی نتوانسته‌اند از راه  
گذاشته بعد از این عبارات با او خاص گرفته و مسئولان  
مشول نظامی از او صحبت می‌کنند همین فرد کسی بوده که  
میخواسته خودش را تحویل جمهوری اسلامی بدهد. با و بعد  
حاشی که به او دادند. او در دست مسئول سابق نظامی  
از او نام بردند. در موردش چنین چیزی نکرده با مثلاً  
از چیزهایی که به خودشان نسبت می‌دهند عضو باطلخ شورای  
عالی اینها فردی است نام بدی. در سال ۶۲ نظامی مرده‌ای که  
به تشکیلات وارد می‌آید به داعی خانوادگی و فرد مبتدی  
بنام ملایم به خارج از کشور می‌روند. تا شریما ۶۴ در خارج  
از کشور. در سوئد می‌ماند. سازمان ما افعالهای نگرسر  
خواستند از راه کرستان بیارند و بعد از او خواسته شد که  
برود و در تهران فعالیت کند که حاضر نشد تصمیم تشکیلات  
را اجرا کند و در شهر بورما اربابان افراخ گردید. اسرار  
این باند در اوضاعهای خود را از نظر گرفته همان هفتی سنوی  
پرانتر حرکتی معرفی کرده‌اند. اول ما در داخل چیزی بنام  
کمپنها هفتی برانتر حرکتی تدارک.



### شیپور از سرگشادش نواخته شد

ترجمه: ت. بیقرار

دوره ۲۰، شماره ۲، خشم  
تابستان ۱۳۴۷

به نقل از آزادی - نشریه جبهه دسکراتیک ملی ایران

توضیح نبرد خلق: همیشه سعی کرده‌ایم تا در صفحات مربوط به "مطبوعات خارجی" مطالبی را درج کنیم که برای فعالین جنبش انقلابی ایران درس‌آزاده علیه رژیم خمینی سودمند باشد. مسأله سیاست خارجی یک جنبش انقلابی و به تبع آن سازمانهای انقلابی همواره بین ما (جریان پیششار فداییستی) و تمامی اپورتونیستها و بخصوص بخش وابسته‌ی آن مورد اختلاف بوده است. سازمان فدایی از ابتدای بنیان‌گذاری بر سیاست خارجی مستقل و بدون قطب‌ناکندگی می‌گردد و در این مورد از رفیق کبیر فدایی شهید بیژن جزئی، آنگاه از رنده‌های بجای مانده است. در مقابل سوسیال‌رفرمیستهای اژدوخ حزب نوده و جریان موسوم به اکثریت بانوسل به تئوریهای غیرعلمی، وابستگی خود به سیاستهای اتحاد شوروی را توجیه می‌کردند. این جریانات وظیفه خود را توضیح سیاستهای اتحاد شوروی در مورد ایران، بطور خاص سیاستهای اتحاد شوروی در صحنه بین‌المللی بطور عام می‌دانستند و دریافته‌اند که به خط مشی خود، خیانت‌های بزرگی در حق کارگران و زحمتگشان مردم ایران نمودند. اوج این خیانتها، دفاع از رژیم جمهوری اسلامی و تأسیس کشتار انقلابیون توسط رژیم تحت این عنوان که "این انقلاب است که در جریان بالندگی، ناخالصی‌ها را بشود می‌ریزد و خالصین را در زیر گام‌های سنگین و استوار خود له می‌کند" (کاراکتریت شماره ۲۷، در تاریخ ۱۱/۲۸/۶۰) عیبی از شهادت موسی خیابانی و هم‌زمانش نبود. اما تحولات جاری در اتحاد شوروی و بخصوص روشن شدن بسیاری از قضایا در گذشته، مشت این عوامفریبان و فرصت‌طلبان را باز کرده و یکبار دیگر سیاست اصولی و انقلابی ما را در صحنه بین‌المللی ثابت نمود. آگاهی از جنبه‌های مختلف این تحولات، بخصوص مطلع شدن از واقعیت‌ها و رویدادهایی که اتفاق افتاده و پدیدار شده و وقوع است، برای فعالین جنبش انقلابی ایران، که درگیر یک مبارزه تاریخی با رژیم خمینی هستند، بسیار سودمند است. مباحثه‌های چپ با اسپیکل، مسائل مختلفی از جمله سیاست خارجی اتحاد شوروی در شرایط کنونی را روشن می‌کند. طبعاً چاپ این مقاله در نبرد خلق، به معنی تأیید کامل کلیه مواضع‌های چپ و پاداشتن موضع در کلیه مواردی که او اتخاذ نموده نیست. ترجمه فارسی این مباحثه از نشریه شماره ۶ آزادی وابسته به جبهه دسکراتیک ملی ایران برای چاپ در نبرد خلق انتخاب شده است.

DER SPIEGEL Nr. 27/1968

### "So stand der Wagen vor dem Pferd"

Der Moskauer Regierungsbotelet Watschislaw Dakschislaw über Afghanistan, SS 20 und die Berliner Mauer

واچسلاو داکشی، پژوهشگر و نظریه‌پرداز سوسیالیست خارجی و مورخ تاریخ نظامی است. داکشی در مقام ریاست بخش سیاست خارجی در استودیو اقتصاد نظام جهانی سوسیالیستی ترسکو کار می‌کند و اکنون در شمار مشاوران رهبری شوروی مرتبه مهمی را داراست. او همکارانست از پیش از یک دهه پیش در نتیجه بررسیها و گزارشهای تحلیلی برای رهبری کشور، صاحب تجربه‌اند. ولی تازه از زمان روی کار آمدن کریم چپ، تئوریه‌ها و آرا فکری او مورد توجه قرار گرفته و اهمیت ویژه‌ای یافته است. چندی پیش در نشریه "الینترنور نیاگازتا" و "کومسومولکا با پارودا" مباحثی و اصول سیاست خارجی اتحاد شوروی در گذشته بطور کلی مورد نقادی شدیدی قرار گرفت. هر دو این متون به قلم داکشی چپ بود. پس از انتشار این نوشته هافترسانده‌های مجله، معروف اسپیکل به سراغ وی رفتند و مباحثه‌ها زیر را صورت دادند.

اسپیکل: بروفسور داکشی چپ، از اختلاف‌نظرهای بیرونی سوسیالیست‌ها در ۷۰ سال پیش تاکنون در اتحاد شوروی به سیاست خارجی این کشور انتقاد علنی نشده است. شما نخستین کسی هستید که در مطبوعات به آن اقدام کرده‌اید.  
داکشی چپ: این اولین نقد سیاست خودمان است. به سبب فقدان بحثهای عمومی مکرر و متون بحث‌های بزرگی شدید، قدم از روشن مقاله در "الینترنور نیاگازتا" خاصه این بود که ما اشاره به اشتباهات گذشته، درگیریها و اشغال‌شدن شرق و غرب و از میان برداریم. اشتباه اصلی ما نسخه مبارزه طبقاتی در صحنه بین‌المللی بود که امکان توضیح آن را نمی‌داد که چرا مثلاً در جنگ جهانی دوم ناگهان بین اتحاد شوروی و سوسیالیستی و دولت سرمایه‌داری، ایالات متحده و انگلستان، اختلاف شد.

اسپیکل: شما طرح کلی کاملاً نپوشی از دیپلماسی شوروی در عرصه‌های سیاسی توازن قدرتهای بزرگ ارائه کرده‌اید.

د: من به نظریه لنین استناد می‌کنم که انسانها در حکومتها می‌زنند اما حکومتها در نزد درگزار حکومتها دیگری اندک باید آنها به توازن دست یابند. هر کوششی برای برهم زدن این توازن و گسست هم‌بستگی بر دیگران، به تشنج، به خطر نگرایی نظامی و با لایحه به جنگ می‌انجامد. پیش از جنگ اول و پیش از جنگ جهانی دوم چنین بود همین هم به درگیریهای شرق و غرب انجامد که البته در غرب آن راه نطفه حل شدن می‌داند. مانبا می‌داندند، جدیدی در سیاست خارجی‌مان هستیم، چه اینجا وجه در آن طرف.

۱: نرخصا این است که هرگاه حکومتی اقدام به گسترش منطقه نفوذ خود کند، با عکس‌العمل روبرو می‌شود، یعنی با جمع حکومتهای دیگر بریک "فدا شتلاف" در مقام مغایله به قوت‌ترین قدرت. به همین روی نوسید که هر هم‌بستگی در خود "نطفه انهدام خود را مستتر دارد."

د: همینطور است. اگر هم‌بستگی در گذشته فقط فشارهای سیاسی و اقتصادی وارد می‌گردد، در عرصه جنبشهای بزرگ ایندولوریک کارا کتر منجی موعود (سماجگری، مهندسی گری، ۱۰۰) بخود می‌گیرد. می‌گویند ایده‌های خود را لایحه نظام اجتماعی خود را بر خلقهای دیگر تحمیل کند. مثلاً ترسکی منی گسترش جبری انقلاب به جهان را در پیش گرفت ...

۱: یعنی همان استدلالی که شما موافق نظر مترنخ علیه ناپولئون ارائه می‌دهید.  
د: همه ایده‌ها، همچنین ایده‌های پیشرو، می‌توانند مورد استفاده و سوءتحمیل حاکمیت خود بر دیگران قرار گیرند. ناپولئون می‌خواست تحت نام "آزادی، برابری، برابری" سیاست خود را به اروپا تحمیل کند که همین امر اشتلاف روسیه - انگلستان - پروسی را برانگیخت. اشتلافی که بر او چیره شد. هر کوششی برای جانداختن هم‌بستگی خود، تحت هر شرایطی که باشد، نهایتاً در هم می‌شکند.

۱: در زمان حاضر ...

د: ... می‌بینیم که مثلاً بنیادگرایی اسلامی می‌خواهد تصورات خود را حقه کند. نقد خوشبخت سازی جهان با "آمریکن وی آو لاین" انبوه زندگی آمریکائی نیز بیان همین هم‌بستگی است. در مورد اتحاد شوروی، بقایای استالینیزم هنوز موجود است که ویژگی آن ریشه در هم‌بستگی طبقاتی ترسکی دارد، نه لنین.

۱: بعد از جنگ جهانی دوم اتحاد شوروی قلمرو نفوذ خود را در اروپا و ایالات متحده و به همین ترتیب توازن اروپا را بهم زد. این امر به یک بلوک ضد شوروی و به حضور آمریکایی‌ها در اروپا منجر شد.

د: ما بمل این مسئله را روشن کنیم. پس از جنگ جهانی دوم در همه اروپا و نیز در آسیا بسیاری جنبشهای سوسیالیستی با هدف ایجاد یک نظام اجتماعی جدید و جهت‌رهایی از سرمایه‌داری وجود داشت که فی الواقع حاملین آنها نودها بودند. استالین این گرایشات را ایجاد نکرد. اینها از جنبشهای مقاومت در برابر نازیها شکل گرفتند. کمونیستها بدون سبب کسب وجهه کردند که اتحاد شوروی، یعنی سوسیالیسم، قابلیت خود را در قلمرو بر ما ضعیف‌تر بر قدرت آلمان فاشیستی به اثبات رساند.

اما استالین از اراده ملت‌ها سوء استفاده کرد. هیچ لازم نبود نظام اجتماعی و لاتر در سایر کشورها طبق نمونه اتحاد شوروی متحقق شود.

۱: کمونیستهای آلمان در فراخوان ناسیس خود در ۱۹۲۵ الگوی شوروی را در کردند و از سیستم پارلمنتاریستی دفاع کردند.

د: در همه جای اروپای شرقی جنبه‌های خلق تشکیل شده بودند که در آنها اجزای بسیاری همکاری مشترک داشتند. یعنی پلورالیسم سیاسی. اما استالین در ۱۹۲۸ یک کمونیستهای محلی به حقه گرفتن مدل اجتماعی شوروی به اروپای شرقی دست زد. این عمل الزاماً عکس‌العمل غرب را برانگیخت. ایالات متحده جنگ سرد را آغاز کرد.

۱: یوگسلاوی توانست خود را از این سیطره برهاند. بعد هم آلبانی.

د: چنین هم همینطور. اینها نخستین فضاها برای سیاست خارجی بر هم‌بستگی منجی موعود بود. اما در اروپای غربی این نظریات گرفتند که اتحاد شوروی قدرت تهدید کننده‌ایست که رهبری آن در نگاپوی نابودی دموکراسی بورژوازی و استقرار یک نظام کمونیستی مطابق الگوی شوروی در تمام دنیا است.

۱: این نظریه در گریه و تشنج زدایی دوباره با ماجرای افغانستان در ۱۹۷۹ قوت گرفت آیا این نیز هم‌بستگی بود؟

د: در نتیجه دوم دهه ۷۰ بسیاری از گرایشات استالینیزمی هم‌بستگی‌ها را دوباره جان گرفتند. در اثر مساعی گرایشات اولتر چپ در تمام جهان، دنیا به یک اتحاد شوروی به جای آن که متوجه داخل کشور شود، به طرف خارج جرم‌انده شد. این بزرگترین اشتباه بورژوازی بود. ما توان خود را، به عوض حل مشکلات داخلی‌مان، صرف مسابقه تسلط‌جانی کردیم.

۱: چرا موشکهای میان برد ۲۰-۳۰ کیلومتر را بر ما سفار کردید؟

د: پیش از همه بخاطر تصورات مغالنه آمیز خطری که ما را تهدید می‌کرد، هر چند این امر با توجه به امکانات اقتصادی ما واقع‌گرایانه نبود. تولید اجتماعی ما را با کشورهای هم‌بستگی ما به‌هم‌بستگی آنها پیش برویم مقایسه کنید - و با وجود آن که ایس



اخبار و رویدادها....

برخی از رویدادهای تاریخی



برای فتح قله‌های پرصلابت عشق؛  
عشق به آزادی؛ عشق به مردم؛  
عشق به برتری؛  
یامرگ یالیسوزی.

شهای فخر در  
بهمن ماه

رفقا:

ابراهیم پوررضا خلیق - سعید پایان - فتحعلی  
پناهیان - عبدالصمد پیرزاده چهرسی - سعید  
پرورش - فاطمه المرنیا - جعفر محشمی - پوران  
بدالسی - مصطفی دقیق همدانی - انوشه فضیلت کلام  
کیومرث سنجری - حسن فرجودی - حسین چوخالچی  
کاووس رهگذر - جهانگیر قلعه میانداوب (چپان)  
فرشاد مرعشی - حمید سومی - محمد علی خسروی  
اردبیلی - قاسم سیادت - بابک سیلابی - خسرو پناهی  
صدی اقتدارمنش - محسن نیک مرام - بهروز عسدی  
محمد جواد عرفانیان - محمد امین توراکی - اکبر  
پارسی کیا - عباس تبریزی - محمد علی ملکوتیان  
مسعود رحمتی - حسن محمدپور - علی نوروزی بهنام  
قاسم زاده رشوی - جعفر (حر) رشایی - ابراهیم کردی  
مراد میرزایی - اسعد یزدانی - اسماعیل بزرگ  
فریدون بانهای - فاطمه محمدی - محسن نوربخش  
حسن توسلی - فردوس آقا ابراهیمیان - میر محمد  
درخشنده (توماج) - عبدالحکیم مختوم - واحدی  
حسین جرجانی - خسرو گلسترخی - کرامت دانشیان  
در مبارزه قهرمانانه علیه رژیمهای شاه و خمینی  
برای نابودی امپریالیسم و ارتجاع و استعمار  
انگلیسی و سوسیالیسم طی سالهای ۱۳۴۹ تا کنون  
بشهادت رسیدند.

گواهی باد روز ۲ بهمن

سالروز جمهوری خود مختار کردستان

بانک های مالی خود سازمان را در

انجام وظایف انقلابی یاری رسانید

هم میهنان مبارز  
سازمان ما برای گسترش مبارزه مسلحانه  
انقلابی علیه رژیم خمینی به کمک های مالی شما  
نیازمند است.  
کمک های مالی خود را بهر میزان که باشد، با  
استقامت بدست ما برسانید و یا به حساب بانکی  
سازمان مندرج در همین صفحه نشویه واریز کرده  
و فیض رسید و یا فتوکی آنرا به آدرس صندوق پستی  
سازمان در فرانسه ارسال دارید.

حساب بانکی جدید

نام بانک SOCIÉTÉ GÉNÉRALE  
BOULOGNE - S - SEINE آدرس بانک  
کد گیته 03760  
شماره حساب 00050097851  
نام صاحب حساب MME. R. TALAT

داخلی: بهمن ماه  
۱۳۱۲ - انتشار نخستین شماره مجله دنیا به همت  
دکتر تقی ارانی  
۱۳۱۲ - درگذشت عارف قزوینی شاعر و ترانه سرای  
بزرگ معاصر  
۱۳۱۸ - شهادت انقلابی کمونیست، دکتر تقی ارانی  
بدست مزدوران رژیم رضا شاه  
۱۳۲۴ - تشکیل جمهوری خودمختار سپاهان به رهبری  
پیشوا قاضی محمد  
۱۳۲۷ - تیراندازی ناصر فخرانی به شاه خاش  
۱۳۲۷ - غیر قانونی شدن حزب توده به دستور شاه خاش  
۱۳۴۰ - حمله چترپازان رژیم شاه به دانشگاه  
۱۳۴۹ - رستاخیز سپاهکل و تولد جنبش نوپس  
کمونیستی ایران  
۱۳۵۲ - اعدام ۶ تن مجاهد از گروه ابوذر  
۱۳۵۶ - قیام خونین مردم تبریز  
۱۳۵۷ - کشتار مردم تهران بوسیله دولت نوکر بسی  
اختیار، بخندار در میدان انقلاب  
۱۳۵۷ - بازگشت خمینی به ایران  
۱۳۵۷ - پایان ماسوریت هوپوز در ایران  
۱۳۵۷ - حمله گارد جاویدان شاه به نیروهای مردسی  
ارتش در یادگان نیروی هوایی

۱۳۵۷ - قیام پر شکوه مردم ایران و سقوط قطعی و غیر  
بازگشت نظام سلطنتی  
۱۳۵۷ - گشایش سفارت انقلاب فلسطین در محل سابق  
سفارت اسرائیل  
۱۳۵۸ - تحمیل جنگ دوم به خلق ترکمن  
۱۳۶۰ - شهادت بیش از ۱۵۰ مجاهد در زندان  
اوین به پاس ادای احترام به جسد موسی خیابانی  
۱۳۶۰ - شهادت مجاهد کبیر موسی خیابانی و سمبل  
زن انقلابی مجاهد اشرف ربیعی و جمع دیگری از  
مجاهدین خلق  
۱۳۶۱ - حمله مزدوران رژیم خمینی به سه روستای  
کلیمرضا خان، سرچران و سوزی در کردستان  
خارجی:

۱۶۰۰ - به آتش کشیدن جوهره ارنوبرونو، کشیش آزاد  
اندیش ایتالیایی بدست کلیسای کاتولیک  
۱۷۷۰ - تولد فردریک انگلس در صفحه ۳

برای دریافت نبرد خلق و سایر انتشارات  
سازمان در آمریکا و کانادا با آدرس زیر  
مکتبه کنید

HOVE, YAT  
P.O. BOX 2891  
RESTON, VA 22090 U.S.A

برای دریافت نبرد خلق و سایر انتشارات  
سازمان با آدرس زیر مکتبه کنید

F. ASSELIN  
B.P. 311  
75229 PARIS  
CEDEX 05  
FRANCE

روز ۱۲ دیماه امسال، میخائیل گورباچف یک  
هیئت از جانب خمینی را بحضور پذیرفت. هیئت  
خمینی زیر سرپرستی آخوند عبدالله جوادی آملی  
و با شرکت مرضیه حدیدهچی (دباغ) و محمد سواد  
لازیجانی بود. در این ملاقات آخوند جوادی آملی، پیام  
سراسر ارتجاعی خمینی را تسلیم میخائیل گورباچف  
نمود. در هیئت شوروی معاون اول وزارت خارجه اتحاد  
شوروی (ولیمرتیمخ) و یکی از اعضای کمیته مرکزی  
حزب کمونیست اتحاد شوروی حضور داشتند. ستانفانه  
پیام خمینی به مطبوعات اتحاد شوروی هم راه یافت.  
این ملاقات و استقبال اتحاد شوروی از هیئت خمینی  
در شرایطی صورت میگیرد که مردم ایران شاهد اعدام  
دهها هزار نفر از زندانیان سیاسی ایران هستند.  
اقدامی که نه فقط از جانب رفیق گورباچف محکوم  
نشد، بلکه از طرف مقامات دیگر اتحاد شوروی نیز با  
سکوت برگزار شده است. از نقطه نظر ما اولاً رفقای  
اتحاد شوروی شایسته نبود که از چنین هیئتی استقبال  
کنند. ثانیاً پس از اطلاع از پیام ارتجاعی خمینی، باید  
جواب قاطعی به آن میدادند. گرچه ما از مشکلاتی که  
اتحاد شوروی در رابطه با جریانهای مذهبی در جمهوری  
های آسیایی دارد باخبریم، ما از آنجا که رژیم خمینی  
بر درباری از خون بهترین فرزندان این مملکت حکومت  
میکنند، استقبال از هیئت اعزامی خمینی از جانب  
اتحاد شوروی را محکوم نموده خواستار محکومیت  
اعدام زندانیان سیاسی از طرف دولت و حزب کمونیست  
اتحاد شوروی هستیم.

کنفرانس بین المللی بررسی مسئله سلاحهای  
شیمیایی روز چهارشنبه (۲۱ دیماه امسال) (۱۱ ژانویه)  
با حضور بیانهای که در آن پروتکل ۱۹۲۵ ژنو که در آن  
استفاده از سلاحهای شیمیایی منع شده، مورد تأکید  
قرار گرفت، برگزار خود پایان داد. در این کنفرانس  
۱۴۳ کشور شرکت داشتند. نماینده عراق در این  
کنفرانس خواستار ممنوعیت استفاده از سلاحهای  
هسته‌ای و شیمیایی شد. عراق اعلام نمود که اسرائیل  
دارای سلاح هسته‌ای است. در این رابطه کشورهای عربی  
از طرح عراق پشتیبانی کردند و تنها خمینی و اسرائیل  
خواستار حذف ماده مربوط به سلاح هسته‌ای بودند.  
پس از خاتمه کنفرانس کشورهای عربی از اینکه در  
کنفرانس کاربرد سلاحهای هسته‌ای ممنوع نشده اظهار  
تأسف کردند.

یکی از افراد ناسد منتظری که قبلاً دستار امید  
نجد آبادی در دادگاههای اشپان بوده، اخیراً در یک  
جلسه که با بعضی از عناصر باند خودشان و عناصری از  
سپاه و جهاد داشته اند تصمیمی به رفسنجانی حمله کرده  
است. او محلاتی نماینده رژیم سازمان بلسل را از  
کارتهای آمریکا دانسته و نسبت به مانورهای او و ظاهر  
در صفحه ۳